

ضمیمه ای
بر

مسائل حاد جنبش ما

دومین شماره

نشریه ویره بحث درون دو سازمان

(سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

انتشارات اندیشه و پیکار

۱۳۵۶ آوریل ماه



ضمیمه‌ای
بر

مسائل حاد جنبش ما

دومین شماره

نشریه ویژه بحث درون دو سازمان

(سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۵۶

www.peykar.org

توضیح

- ۱ - آنچه در این ضعیمه میخوانید دو نامه است که بین "سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه" و سازمان ما، سازمان مجاهدین خلق ایران (ارگان خارج از کشور) مبادله شده است.
همچنین مطالبی پیرامون نامه ما به "سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه" تحت عنوان "در حاشیه نامه به جبهه ملی" بعد از دو نامه فوق مطالعه خواهد شد.
- ۲ - از آنجا که مطالب فوق میتواند جوانبی از انتقادات ما به سازمان چرکهای فدائی خلق ایران را روشنتر نموده و همچنین مواضع اپورتونيستی و ضد انقلابی جبهه را افشاء نماید به انتشار آن مبادرت میورزیم.

نامه

سازمانهای جبهه ملی ایران
در خاورمیانه

بـ

سازمان مجاهدین خلق ایران

انتشارات اندیشه و پیکار

www.peykar.org

رقای گرامی

پیرو مذاکراتی که اخیراً با نماینده شما در (ت) داشتم لازم می‌بینم که جند
نکته را با اطلاع شما بررسیم این نکات شفاها هم توضیح داده شده‌اند ولی تذکر
مجدد آنرا ضروری می‌بینم.

۱- بادر نظر گرفتن اینکه ضرورت ابراز نظر مشخص‌ها بعنوان یک سازمان ابوزیستِ
در مقابل رویداد‌های اخیر جنبش انقلابی ایران و منجمله تغییرات و مسائل سازمان
مجاهدین خلق در رابطه با جنبش مسلحه، هر روز بیشتر می‌شود، در تاریخ
۱۹۷۶ مه از نماینده شما تقاضا کردیم که در صورت امکان، هر چه سرعتی،
پاسخ به سوالاتی را که شفاها و کتاب در اوت ۱۹۷۵ (پس از اطلاع از اعلام قریب-
الوقوع تغییر ایدئولوژی سازمان) با شما مطرح کردیم، به اطلاع مبارسانیم. ما
معتقدیم که پاسخ به سوالات فوق می‌تواند برای ما و سایر نیروهای متفرق در ابراز
نظر و اتخاذ موضع متعهد و مسئول و صریح مؤثر باشد. سوالات ماهمنظر کمی
میدانید در انتهای تحلیل کوتاه‌ما، که بر مبنای اطلاعات داده شده (از طریق
مسئلین سازمان شما) تنظیم شده بود عبارت بودند از:

”آیا چه ضرری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کند که دارای دو هسته
مستقل مارکسیست و مذهبی است؟ آیا در مرور وحدت تام بارفکای فدائی قبل از
اعلام علنی تغییر ایدئولوژی کل سازمان، بجز اشکالات عملی (تاتکیک) مسئله‌ای
ایدئولوژیک استراتژیک وجود دارد؟ و اگرندارد، چرا بصورت فعل این مسئله قبل از هر
نوع اعلام مطرح نمی‌شود بطوریکه دوسازمان توانما راه حلی برای مسائل بیابند.“

۲- در تاریخ ۴ مه ۱۹۷۶ در (ت) نماینده سازمان شما از ما خواست که

هنگام تجلیل از شهدای سازمان مجاهدین خلق در رادیو میهن پرستان (برنامه یاد شهیدان) از معتقدات مذهبی آنان ذکری بیان نیاوریم . لازم به توضیح می بینیم که ما این پیشنهاد را غیر اصولی و اساساً نادرست می دانیم و طبعاً ازانجام آن معدود ریم . معتقدیم که توافق یا عدم توافق مابا معتقدات ایدئولوژیک افسرا د و سازمانها نباید موجب دگرگون جلوه دادن واقعیات شود . اگر این توضیح مختصر و توضیحات شفاهی نماینده مازنونظر شما قانع کننده نیست ما حاضریم مفصلانظر خود را بسط دهیم و جنبه های مختلف آنرا بشکافیم .

۳ - چون مایک سازمان درون کشوری نیستم و اطلاعات ما عمدتاً از طرق سازمانها و گروهای انقلابی درون کشور تأمین می شود ، لهذا تغییرات ناگهانی و احیاناً نادرست در این اطلاعات میتواند در تصویر واقعیت درنظر نداشته باشد فراوان بوجود آورد و حال آنکه مابرای اینکه قادر به دفاع صحیح از جنبش مسلحه خلق باشیم باید تصویر درستی از وقایع در اختیار داشته باشیم . تفاوت های که در اپراتز رفقاء نماینده شما به ما در مرور نحوه تغییر ایدئولوژی بـا " بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک " وجود دارد ما را برآن میدارد که از شما رسماً تقاضا کنیم که من بعد در صورت تسامیل و امکان ، مواضع و نقطه نظر های خود را کتابـا طلاعـما بررسانید و بـا در پـایان هر مـلاقـات حضـورـی با نوع جمعبندی کـتبـی توافق کـنـید تـا ما قادر بـاـشـم نـظـراتـ شـماـ رـاـ بهـ روـشـیـ درـیـافتـ کـرـدـه و بـا آـکـاهـیـ بـهـ آـنـهـاـ بـرـاسـاسـ مـعـقـدـاتـ خـودـ برنـامـه سـازـانـ خـودـ رـاـ درـ دـفاعـ وـ حـمـاـیـتـ اـزـ جـنـبـشـ مشـخـصـ کـنـیـمـ .

از آنجاکه بعلت کثرت مشغله شما و ما ممکن است ملاقات های حضوری در اسرع اوقات میسر نباشد ، یک کمیته از این نامه را به آدرس پستی شما ارسال میکنیم و تقاضا داریم شما نیز یک نسخه از جواب خود انتشارات اندیشه و پیکار

را به آدرس ما درین من ارسال نمایید .

سامیمد پیروزی خلق های ایران

پرسکوه باد مبارزات مسلحانه سازمانهای انقلابی

سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور^(۱)

۱ - این نامه در فرم رسمی که درست تر آن عبارت "ساما-
نهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه " چاپ شده بود برای معا-

رسال شد . انتشارات اندیشه و پیکار

پاسخ

مسئولین امور خارج از کشور
سازمان مجاهدین خلق ایران

به

مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران
در خاورمیانه

رفقا ! مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه)
درود ما را پذیرد !

از آنچه که پاسخ به نامه ۱۴ مه شما و همچنین پاسخ به مطالب که شفاه از طریق یک از فرقای مادر "T" ارسال داشتمو به برخی از آنها در این نامه هم استناد کرد ماید، مستلزم یک اشاره کلی به برخی مسائل مربوط به سازمانهای خارج از کشور، رابطه‌گروه ها و سازمانهای پشت جبهه با سازمانهای انقلابی پشتاز و قوانین و ضوابط مربوط به این ارتباط بود، و همینطور این جواب بستگی به برخورد با بعضی ناروشنیها تلقی اساسی موجود در هویت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما پیدا می‌کرد، این بود که لازم دیدم ضمن مطرح کردن این مسائل و ابهامات بصورت مشخص، ابتدا نقطه‌نظرات و مواضع خود را نسبت به این مسائل روشن کرده و برای من پاسخ مسائلی را که مطرح نموده‌ایم بد همیم.

در مورد سازمانها و گروههای خارج از کشور معتقدم :

الف - سازمانهای که برای خود هویت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی پعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی قائل هستند، باید منطبق با کارکتری که به عنوان یک سازمان انقلابی اتخاذ کرد اند بداخل آمد، نظرات و تئوریهای خود را به بوته آزمایش گارده و بوظایف اصلی ای که بعدها چنین سازمانهایی هست عمل کنند.

در این صورت روشن است که پراتیک چنین مبارزه‌ای زمینه آنها می‌تواند بطور عینی با مسائل اساسی جنبش را برای آنان فراهم نموده و در این شرایط آنها می‌توانند بطور عینی با مسائل قضایای اساسی جنبش برخورد بکنند. در غیر این صورت یعنی در صورتی که بخواهند همچنان در خارج از کشور بمانند^(۱)، بعقیده مادیگر هویت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی پعنوان یک سازمان انقلابی نمی‌توانند برای آنها معنی داشته باشند.

۱- بنظر ما آن سازمانهای هم که جمیت گیری ۹۹ ساله برای داخل دارند شامل اینها می‌شوند و در واقع نمی‌خواهند بداخل بیایند.

روشن است که در این صورت آنها قادر نباشند^{۲۰} با توجه بد و بودن از محیط عمل و همچنین براتیک و مبارزه محدود خود (محدود به همان فعالیت‌های صنفی - سیاست) شوری انقلابی برای جنبش رائمه داده و خط سیاست - استراتژیک برای جنبش انقلابی مشخص نمایند و یا بتوانند پیرامون مسائل اساس جنبش انقلابی به بحث و گفتگوی خلاق پردازند^{۲۱} این عدم توانائی نه تنها بد لیل دوری آنها از شرایط محیط و نبودن زمینه‌های مادی درک برای مسائل فوق است^{۲۲} همچنین بد لیل محدودیت فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی و نوع براتیک است که در اینجا دیگر این سازمانها را نوازند^{۲۳} همچنانی این متعایزی کنند^{۲۴} بنظر ما این سازمانها انتها وحداتیکر (در صورت تیکه بخواهند صادقانه بظایف خود عمل کنند) می‌توانند درک ارتباط مشخص به عنوان پشت جبهه سازمانهای انقلابی موجود در جبهه نبرد قرار گرفته و در این رابطه طبیعی است که دیگر نمی‌توانند هویت مستقلی بمعنای یک سازمان و یا گروه انقلابی داشته باشند^{۲۵} .

ب - سازمانها و اتحادیه‌های دانشجویی که مضمون فعالیت مبارزاتی شان همان مبارزات صنفی - سیاسی یعنی مبارزاتی که بهر صورت بنوعی در چهار جوب مبارزات صنفی - سیاسی محدود می‌شود است^{۲۶} رابطه این سازمانها با سازمانهای انقلابی از همان قوانین و ضوابط مربوط به ارتباط جنبش انقلابی پیشتر با سازمانها و گروههای در برگیرنده جنبش‌های توده‌ای تبعیت می‌کند که وظیفه آنها نیز طبعاً حمایت همه جانبی از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی آنست^{۲۷} روش است که وظایف فعالیت‌های این سازمانها و اتحادیه‌های دانشجویی با وظایف گسترده یک سازمان انقلابی مارکسیستی - لینینیستی و همچنین مضمون اجتماعی - سیاسی وظایف آنها اساساً کیفیتا باهم اختلاف دارند و یک مزینندی دقیق واصولی بین ماهیت سیاسی و اجتماعی سازمانهای در برگیرنده فعالیت‌های دانشجویی با ماهیت سیاسی - اجتماعی - عی یک سازمان پیشا هنگ مارکسیستی - لینینیستی وجود دارد^{۲۸} با این ترتیب درین سازمانها و گروههای واقع‌باباز خارج از کشور، شق ثالث نمی‌تواند وجود داشتمبا شده است.

یا آنها یکه برای خود هوت مستقل ایدئولوژیک - سیاست - سازمانی قائل هستند باید بداخل بیانند و بوظائف خود عمل کنند و ماقبل در جنین صورت من توانیم با آنها بعنوان یک سازمان سیاسی مستقل برخورد کنیم، یا آن سازمانها یکه در رابطه با مضمون مشخص فعالیت و مبارزه اجتماعیشان، سازمانها و اتحادیه‌های دانشجو را تشکیل من دهنده در این میان آن سازمانها یکه به عنوان در خارج از کشور فعالیت و مبارزه من کنند و مبارزه آنها صرفا در جنبش دانشجویی خلاصه و محدود من شود تنها وحدات اکثر من توانند بعنوان سازمانهای (صنفی - سیاست) دانشجویی بحساب آیند که حمایت بمن قید و شرط آنها از مبارزات انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی درون کشور ملاک مترقی بودن آنها خواهد بود.

واماد ر مقابل سازمانهای دانشجویی اصلی ترین وظیفه یک سازمان صنفی - سیاست و مترقی که عماناً حمایت از مبارزه سیاست و انقلابی خلق است، قرار میگیرد و آنان وظیفه دارند بدون قید و شرط تمام امکانات و انتزاعیان را در خدمت جنبش انقلابی قرار دهند. طبعاً تشخیص منافع جنبش و چگونگی برخورد با فعالیتهای حمایتگرایان سازمانها با خود سازمانهای انقلابی خواهد بود. بنظر مأمور مترقی بودن این سازمانهای دانشجویی هم در درجه اول مشروط به انجام و اجرای صادقانه چنین وظیفه‌ای من شود و گزنه در مرور آن سازمانها که چنین هدفی یعنی هدف خما- بیت از مبارزه سیاست و انقلابی خلق را برای خود انتخاب نکرده باشد، در جنین گادری سخن هم نمی تواند باشد، واصولاً چنین سازمانهای دیگر نمی توانند نماینده تعایلات ضد امپریالیستی و احساسات دموکراتیک دانشجویان و روشنگران خارج از کشور باشند. باین ترتیب تمام حرکات تأثیدآمیز، فعالیتهای تبلیغاتی، انتشاراتی و تدارکاتی در خارج از کشور و فراهم آوردن امکانات مالی - تکنیکی و تبلیغاتی برای جنبش در چهار جوب اصلی ترین وظیفه سازمانهای صنفی - سیاست و مترقی من گجد و سازمانهای دانشجویی در خارج از کشور مانند هر سازمان صنفی - سیاست

حامی هرجنبش، سازمان و یا سازمانهای انقلابی وظیفه دارند تمام کوشش خود را با توجه به رهنمودهای جنبش انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی آن از طرف دیگر متصرف کرکنند و متقابلاً وظیفه سازمانهای انقلابی است که بتناسب رشد خود و نیرو و توانی که با توجه با بعد از گستردگی و ظایف انقلابی شان دارند، «باین جنبشها و سازمانهای در برگیرنده آنها تعامل پرقرار کرده و مبارزه آنان را در جهت منافع جنبش انقلابی خلق هدایت کنند».

این ها اصولی است که سیاست ماراد برخورد با سازمانها و گروههای خارج از کشور تعیین میکنند. و اما موقتی براساس چنین نظرات و سیاست خواستی پس از همکاری و برخورد با شمارابربریزم (خصوصاً بعد از تحول ایدئولوژیک سازمان بپارادل) هاو تناقضاتی برخورد کردیم که هویت سیاسی - ایدئولوژیک - سازمانی شماراد چار ابهام و سرد رگی میکرد^(۱) که ضرورتاً هرگونه همکاری و برخورد اصولی وجودی را مقدمات محول به روشن شدن و برخورد با لین تناقضات و ابهامات میکرد.

براساس ادعای شمامبنی بر معرفی خود بعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی مجرد از سازمانهای دانشجویی، برای ما این سوال مطرح می شود که هدفهای سیاسی و هویت ایدئولوژیک این سازمان چیست؟ و چرا تا کنون هیچ موضع ایدئو-لوجیکی در "باخترا موز" ارگان رسمی شما و سایر نشریاتی که بطور رسمی و یا غیررسمی از طرف شمامنتشر میشود، گرفته نشده است؟^(۲)

۱- این ابهامات و این تناقضات البته باین معنی نیست که مانتوانیم هویت سازمان شمارا نوعاً بشناسیم ولی بهر حال همکاری و برخورد فعال مابشماستگی به روشن کردن این سائل از طرف شما و برخورد با آنها پیدا میکرد.

۲- باید بگوییم این ابهامات و تناقضات در اینجا با توجه به کارکتری که شما بعنوان یک سازمان مستقل سیاسی بخود میگیرید و یا با موضع ایدئولوژیک غیرعلنی دیگری که در برخورد هایتان بنام سازمانهای جبهه ملی ایران و یا گروهی در دنیا انتشارات اندیشه و پیکار



ماهی پرسیم آیا نداشتن هوت مشخص اید ؟ تولویژن بد لیل موضع جبهه‌ای شما وجود
سازمانهای انقلابی با موضع مختلف اید ؟ تولویژن سیاسی در درون آنست ؟ و آیا نداشت
این جبهه خود راه طراز جبهه انقلابی مشکل از سازمانهای انقلابی میدانید ؟ در
این صورت بلافاصله این سوال مطرح میشود که این سازمانها کدامند ؟ موضع اید -
تولویژن سیاسی هر کدام چیست ؟ هدفها و خواسته‌های سیاسی آنان چیست ؟ فعلاً
لیتهای سیاسی و مبارزاتی آنان چیست و در کجا این فعالیتها انجام میگیرد ؟ ارگان
رسمی و نوشته‌های رسمی آنان در کجا یافت میشود . . . اگر این نظر نیست و سازمانها
وجود ندارد بنا براین مفہم این سازمانهای جبهه ملی ایران در خاوریانه چه معنی
میدهد ؟ آیا موضع جبهه‌ای شما نگرفتن موضع مشخص اید ؟ تولویژن سیاسی در درون یک جبهه
سازمانهای دانشجویی با گرایشات مختلف اید ؟ تولویژن سیاسی در درون یک جبهه
است ؟ در این صورت دیگر مفہم سازمان سیاسی و انقلابی مجرد از این سازمانهای
دانشجویی چه معنی میدهد ؟ یا یکی از سازمانهای جبهه ملی ایران را صرفاً به
عنوان یک نام برای سازمان خود انتخاب کرد ماید که فعلاً صرف نظر از بحث برسر
انگیزه استفاده از چنین نامی باز همان سوال اول مطرح میشود که بنا براین هد -
فهای سیاسی این سازمان چیست ؟ موضع اید ؟ تولویژن سیاسی آن کدام است و فعلاً
لیست و مبارزه در خور چنین سازمان سیاسی ای در کجا انجام میشود ؟

با این ترتیب شما بر اساس موضع ادعایی خود نام از روشن کردن اصلی ترین موا
ضعی که مضمون اجتماعی و سیاسی مبارزه این سازمان را از جریانات دیگر مبارزاتی
متایز میکند ، طفره رفتاید . ممکن است گفته شود موضع شما از تغییل خارج از کشند

آن (در این مورد فرق نمی کند) بخود میگیریده بوجود من آید و گزنه نداشتند هو -
یت مشخص اید ؟ تولویژن برای سازمان شما با توجه به مضمون اجتماعی - سیاسی مبارزای
سازمان برای مقابله توجیه است که البته دیگر این سازمان نمی تواند خود را بعنوان
پلاک سازمان انقلابی مجرد از جریانهای دانشجویی معرفی کند .

بودن «هدفهای سیاسی و فعالیت‌های مبارزاتی و حمایت‌گرانه از جنبش مسلحه» د رارگان رسمی تان آمده است و مجموعه مواضع شما همانست که در این نشریه اتخاذ گردیده است «من گوئیم بسیار خوب «ما هم طبیعی است در هر صورت» چه مضمون فعالیتهای شمارا اشتن هویت مستقل ایدئولوژیک را برای سازماننا نه کنند و چه خود شمارا عین معروف خود بعنوان یک سازمان سیاسی مجرد از سازمانهای دا- نشجوانی «از گرفتن چنین موضعی طفره بروید» با شما برآسان همان هدفهای سیاسی و مواضع عملی ای که در این نشریه انعکاس دارد و همچنین برآسان مضمون مشخص فعالیت‌های مبارزاتی شما، برخورد کنیم «ولی در این صورت مواضع مارکسیستی - لینینیستی ای که شمارا روزشته اوت ۲۵ خود وارد رفتگوهای اخیرتان بارفیق ما (بنام سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه و یا گروهی مخفی در درون آن) اتخاذ کردید و از ما هم من خواهید شمارا با این مواضع بشناسیم» چه معنی میدهد؟ همین نامه ۱۴ مه شما که تحت عنوان سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه برای ما ارسال شده حاوی تناقض آشکاری است «از یک طرف ماسازمانهای جبهه ملی ایران را در درجه اول بوسیله رگان رسمی آن با ختم روزی من شناسیم و طبعاً مواضع ای سن نشریه و فعالیتهای این سازمان باید در مجموع مواضع سازمانی و محتوای ایدئولوژیک مبارزه ایین سازمان را نشان دهد» از طرف دیگر در همین نامه با همین عنوان اشاره به گفتگویی من کنند که مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) در آن «مواضع ایدئولوژیک این سازمان و یا گروهی در درون آن^(۱) را مارکسیسم - لینینیسم معرفی کرده بودند» و از انتظار داشتید شمارا با چنین موضعی بشناسیم «مطالبسی هم کدر "T" در عورد مواضع ایدئولوژیک سازمان خود تان گفتاید این تناقض گوشی هارا بشکل دیگری تأیید میکند» شمارا رجواب این سؤال که مواضع ایدئولوژیک سازمان شما چیست گفت «بودید : مارکسیسم - لینینیسم موضع ما است ضد مائویسم» موضع ما است « که مافعلابه بند اول این انتشارت کاره ایم و از طرف دیگر گفته بودید : باور قی در صفحه بعد

"جای مارکیست بودن که هنگام برخورد با خمینی یا توده داشجوئی نیست" هر چیز جای دارد وقت ماباچریکهای فدائی هستیم روش است که مارکسیسم.^(۱) اینها دیگر حرفهای تازماً است در عالم مارکسیسم - لینیسم که مامن شنوم بفرمائید بینیم اگرچای مارکسیست بودن شعادر مقابل جنبش داشجوئی که روش نیاشد در مقابل خمینی و مذهبیون که روش نیاشد در سطح جنبش و حتی در رارگان رسیستان "با خبر امروز" که روش نیاشد، پس کجا باید روش باشد؟ آیا موضع ایدئولوژیک شما باید در محافل خصوص روش شود و یا با همکاری این یا آن سازمان خود بخود روش می‌شود؟ باین ترتیب شما می‌توانید سازمانهای جبهه ملی ایران در مقابل جنبش داشجوئی یک موضع ایدئولوژیک دارید، در مقابل مذهبیون یک موضع ایدئولوژیک در سطح جنبشیک موضع و در محافل خصوص و همکاری با گروههای دیگریک موضع دیگر. اگر برخورد شما با مقوله ایدئولوژی و مارکسیسم - لینیسم این چنین است که ما واقعاً هیچ حرف در این کار رعنی توانیم باشند اشته باشیم درین برخورد شما هر معجونی

پاورق از صفحه قبل:

۱- در اینجا لازم است گفته شود که در صورتیکه عناصر و گروههای فرضاً باداشتمن هویت مشخص ایدئولوژیک هیچگونه مزیندی ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی با گروههای دیگر در این جبهه و یا با کل این جبهه اتخاذ نکرده باشند، اولاً این را نیشود گفت اتخاذ موضع ایدئولوژیک و بخلافه و مهتر موضع ایدئولوژیک اعلام نشدمانین عناصر و گروههای بی‌نام و نشان هرگز نمی‌توانند بجای موضع سازمان تلقی شود. موضع کل سازمان راهمنان نشیره و ارگان رسی آن تعیین می‌کنند و ماهم باشما بعنوان مستولین سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه تعاونی گیرم و نه با عناصرو گروههای که هیچگونه نام و نشانی از آنها نشینیدهایم.

- این گفته نمی‌تواند یک خطای لفظی و یا نظریک رفیق یا شد همراه که صرف نظر از صريح و رو راست تر بودن رفیق گوینده آن، از آنجاکه موضع و شکل فعالیت-های شما آنرا کاملاً تأیید نمی‌کند می‌توانید موضع واقعی شمارا بنایش بگذارد.

می‌توان یافت جز مارکسیسم - لینینیسم . اگر این برخورد شما با مقولهای دلولوژی و مارکسیسم - لینینیسم آگاهانه باشد معنی بازیجه قرار دادن مردم «جنبیش دانشجوئی » مذهبیون و سازمانهای انقلابی و همچنین تنزل دادن مارکسیسم - لینینیسم تاحد پست ترین و بدترین نوع ایدئولوژی تاجر مسلکانه و معامله گرانه خوده بورزوائی است و اگر با خوشبینی ، نا آگاهانه فرض کنیم آنگاه باید با شما بر سرالقبای مارکسیسم - لینینیسم ، بر سرابت اشی ترین «بدیهی ترین » مسلم ترین و عام ترین اصول مارکسیسم - لینینیسم گفتگو کیم و آنوقت باین چنین برخوردی با مقوله ایدئولوژی باکتن اینکه : «چه ضرری دارد که سازمان مجاهدین اسلام کند که دارای دوهسته مستقل مارکسیست و مذهبی است . « بما هم توصیه من کنید که بعدم دروغ بگوئیم .

باین ترتیب بنظر ما شماره عین حال که تشکیلات خود تان را بعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی معرفی میکنید ، « ولایت انجام اصلی ترین » مهمنترین و بدیهی ترین وظایف یک سازمان انقلابی که همان‌آرزوی فعال سیاسی انقلابی درین خلق باشد طفره رفتاید و علاوه در سطح جنبش و در ارتباط با سازمانهای انقلابی « در مورد هدفهای سیاسی » مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی خود تان به تناقض گوئی افتاده ماید و روش نکردید که بالاخره این تشکیلات سیاسی ، خط مشی سیاسی - استراتژیکیش چیست و چه فعالیتهای تاکون در این جهت انجام داد و چه چهارچوبی برای هدفهای سیاسی خود ش انتخاب کرد ماست . باین توضیحات برای ماروشن بود که حتی کوچکترین برخورد اصولی وجودی ماباشما (ونه برخورد های محفلی - لیبرال منشانه و سازشکارانعای که در خارج از کشور رواج دارد) بلافاصله با این تناقضات وابهماتی که بر هویت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما سایه افتکده بود برخورد من کرد و لاجم روابط سازمانی و بر - خورد های مانع توانست بصورت سالم و انقلابی ادامه پیدا کند و نتیجتاً بلافاصله بعد از تحول ایدئولوژیک سازمان و در همان اواخر (اواخر سال ۱۳۵۲) که دامنه این تحول به ارگان خارج از کشور سازمان از کتيبة اشده و نوسازی و ترمیم این ارگان و

حاکمیت معیارهای نوین و علمی منجر شد، روابط ماهم با شماره ستخوش این تغییرات شد و صورت تعلیق درآمد.^(۱) این ابهامات و تناقضات تاحدی بود که حتی جواب دادن به نوشته اوت ۷۵ شماره‌که درباره تغییر ایدئولوژیک سازمان اظهار نظر کرد، بود «علی رغم وظیفه مشروط ما (مشروط به مجموعه ظایف ما) در جواب دادن به آن و علی رغم ضرورت برخورد پانقطه نظرات غلط و انحرافی ای (البته بنظرما، که در آن نهفته بود)، الزاماً تازمانیکه مواضع ایدئولوژیک سازمان شمارشون نمی‌گشت و با این ابهامات و تناقضات بطریق برخورد نمی‌شد، بطور مستقیم^(۲) ناممکن می‌گردید.

شما بنام سازمانها جبکه ملی ایران در خاورمیانه مطالب و سوالات مطرح کرد مبولاً که جواب دادن و چگونه جواب دادن باعین سوالات دقیقاً منطبقه این می‌شد که سازمان شما از چه نوع سازمانی باشد، خودتان از آن چه تلقی داشته باشید، «وضع ایدئولوژیک این سازمان و محتواهای ایدئولوژیک مبارزه این سازمان چه باشد، چه استنباطی از یک سازمان انقلابی و ظایف آن داشته باشید»، از یک سازمان صنفی-سیاسی و ظایف آن چطور «چه تفاوتها و مزیندیهای بین این دو نوع سازمان قائل باشید»، انعکاس این مزیندی در برخورد باسائل جنبش واژ جمله در برخورد باستول لاتی که کرده بودید چگونه باشد، رابطه این سازمانها (سازمان انقلابی و سازمان صنفی-سیاسی) از چه عوایینی پیروی کند و ۰۰۰ که مسلم در صورتیکه مواضع شما پرا بهام باشد و یاد رک نادرستی از این اصول داشته باشید دیگر جواب مالزاماً آن چیزی که شما خواهانش بودید نمی‌توانست باشد. هم‌اکنون با توجه به توضیحات بالا به سوالات واصلی ترین و مهمترین مطالبی که شما مطرح کرده بودید جواب می‌گوییم.^(۳)

۱- ابتدامی پردازم به امور دانشجویی، شماره همان مذاکره شفاهی

۱- از این جهت می‌گوییم بطور مستقیم که ماتفاق و تحول سازمان را بصورت جامع آن در سطح جنبش مطرح کردیم و جواب این نوشته شما بطبعاً در آن نهفته بود.

۲- البته استنباطات مانه صرف نباشد از این شفاهی شفاهی شفاهی.

سئوالات و مطالب زیرا مطرح کرده بودید که: "نظریان نسبت به کارها و فعالیت‌های ماجیست؟ چه ایراداتی نسبت به کارمادر خاورمیانه و اروپادارند؟ چرا باما صحبت نصی کننید تابیینید نظرما هم چیست؟ چرا مانباید بدانیم که سیاست دانشجویی شما چیست تا برطبق آن عمل کنیم؟ آیا اگر روزی سیاست دانشجویی ما غلط از آب درآمد این سؤال جانبدار که از شما بشود که چرا باما صحبت نکردید؟ آیا علت تعاس نگرفتن شما اختلاف ایدئولوژیک باما و گرایش‌مأموریتی شما نیست؟ چرا باما چپ افتاده اید و یا اینکه نکرم کنید ماباشم اچپ افتاده اید و بالاخره اینکه چه پیشنهاداتی بظصور مشخص نسبت به کارمادر اید؟ بهترین راه حل از نظر شما چیست؟ راه حل دم وحدت اقل آن کدام است؟ در اینکه ماباید وظیفه خود می‌دانیم که بتدفع با جنبش‌دا اش. آنها را مستقیماً به عهده داشته باشید، هرجه وسیعتر ارتباط سیاسی - تشکلاتی برقرار کرده و رابطه‌این جنبش را با جنبش‌انقلابی و در رأس آن جنبش‌مسلمانه و برای تثییت واستحکام بیشتر آن، مستحکم کنیم، اصولاً حرف نمی‌تواند باشد و تابحال با توجه به وظایف گسترده‌ای که به عهده مابود است، نسبت بعاین وظیفه نیز به تنا - سب نیرو و توانی که داشتیم، اهتمام داشته و داریم و هماره آماده هستیم با اتحاد - یه‌های دانشجویی که هدف حمایت از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق را برای خود انتخاب کردند، برخورد فعل بنمایم و ایجاد رابطه‌ای باشند و باشمات اس نگر - فتاویٰ علتش چیست؟

مامی پرسیم باید با چه کسانی درباره امور دانشجویی صحبت کنیم و نظر بدیم؟ با سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه که خود را سازمانی سیاسی مجرد از سایر زمانهای دانشجویی معرفی می‌کنند و یا مستقیماً با خود سازمانها و اتحادیه‌های دانشجویی

→
بلکه بر مجموعه موضع سیاسی - سازمانی انت ایدئولوژیک و عملی شما مبتنی است.

شمامگر برای خود تان یک هویت مستقل سیاسی - ایدئولوژیک قائل نیستید « دراین صورت دیگر صحبت ماباشمابر سرمورد انشجوقی چمعنائی من تواند داشته باشد دراینچنانظور ما آن گفتگو آن خط مشی واحدی که مثلاً دوسازمان انقلابی درباره یک مسئله اجتماعی و مبارزاتی وسائل جنبش های توده ای اتخاذ من کنند مسلمانی تواند باشد)

وظایفی که مادر رقبال جنبش دانشجویی دارم علی القاعده نباید از کاتالیک سازمان سیاسی دیگر عملی شود « این وظیفه مامستقیماً باید از طریق خود اتحادیه های داده نشجوقی عملی شود و شما هم بامادر سطح جنبش نه ظاهراً بعنوان یک اتحادیه و یا اتحادیه های دانشجویی بلکه بعنوان یک سازمان سیاسی تعامل من گیرید و برخورد من کنید . حال اگر مضمون فعالیت و مبارزه این سازمان سیاسی (یعنی جبهه ملی) دقیقاً همان وظایف و فعالیتهای صنفی - سیاسی و دراینجا همان وظایف یک سازمان دانشجویی ضد رژیم است ، این دیگر بخود شما و به آن تناقض که در بطن سازمان شما وجود دارد بروی گرد و همین تناقض اساسی است که رابطه شمارا با یک سازمان انقلابی هم خدشه داری کنند . تصور نشود اگر شما چنین درخواستی نمی کردید و یا مطرح نمی کردید در واقعیت امر کوچکترین تنییری حاصل من شد « زیرا مسئله بزرگ سراقار و یا انکار و تجاهل این مسئله نیست مسئله برس مضمون اجتماعی فعالیت و مبارزه ایست که به سازمان شما وعاً ما هیئت من بخشد و شما چیز دیگری من خواهید نشان دهید . شما از یک طرف نه مشخصاً یک سازمان سیاسی - انقلابی را دارید و در پراینک مبارزه در بین خلق شرکت دارید که شما را (مطابق بدیهی ترین تعاریف مارکسیستی) یک سازمان سیاسی - انقلابی بدانیم و با شمار رچنین کادری درباره جنبش دانشجویی خارج از کشور گفتگو نشینیم و مثلاً دراین باره به سیاست واحدی برسیم و نه خود را اتحادیه دانشجویی من دانید که این وظیفه را در مقابل ماقرمار دهد که با شمار رچنین کادری برخورد فعلی بنماییم . حال اگر این مسئله سر در را

داشتما شد و اساساً جنبش دانشجویی مادرخاچ از کشور در چنین کلاف سرد رگی در رابطه با سازمانهای سیاسی خارج از کشور گرفتار شده و به تفرقه و تلاش کشیده شده باشد ^۱ این دیگر ساده لوحانه نخواهد بود که مادر راره جزئیات شیوه‌ها، تا کتیکها و این یا آن اشتباه این یا آن گروه اظهار نظر کنیم و نظر بد هیم؟ در این صورت وظیفه مامسلماً این نخواهد بود که بدون توجه به انحرافات و تناقضات اساسی، ایرادک‌های شما و یا فلان گروه را بشمارم و این نخواهد بود که در همین بافت مو- جود باقیول همان تناقضات و انحرافات اساسی که بعقیده مارشنهای اصلی نابسل مانی‌های جنبش دانشجویی هستند به صحبت بنشینیم و نظر بد هیم ^۲ بلکه در این صورت و بعنوان اولین گام این نخواهد بود که باما هیت بحرانی که در جنبش دانشجویی خارج از کشور وجود دارد برخورد کرده و ریشه‌های آنرا که بعقیده ما دقیقاً در بطن تناقضات ^۳ انحرافات و ادعاهای سازمانهای خارج از کشور وجود دارد روشن کنیم ^۴ و همچنین با سازمانهای سیاسی خارج از کشور بعنوان مسئول اصلی سرگردانی ^۵ تفرقه و انحراف جنبش دانشجویی از حرکت اصیل خود شیوه‌گروهی گری، ^۶ جاء طلبی ^۷ رهبری طلبی این یا آن سازمان سیاسی برخورد بکنیم ^۸ .

این برای ماروشن بود که برخورد بالمور دانشجویی در خارج از کشور نی توا- نست با قبول وضع موجود و صرفاً بادادن چند رهنمود رفومیست و درابتدا از طریق سازمانهای سیاسی انجام گیرد. مادرابتدا می‌بایست مستقیماً با خود جنبش دانشجویی واعضاً اتحادیه‌های آن هرجند که فعلاً به اشکال مختلف وابسته بیان سازمانها باشند ^۹ برخورد بکنیم ^{۱۰} بیان ترتیب مابر آن شدیم که مواضع و نقطه نظرات خودمان را نسبت به ما هیت این بحران و ریشه‌های اساسی آن ارائه داده سپس آماده شرم با تما آن سازمانها و گروه‌های (چه سیاسی وجه دانشجویی) که با احساس مسئولیت با آن برخورد فعال کرده و مواضعشان را نسبت به آن روشن کنند و یا ^{۱۱} انتشارات اندیشه و پیکار بخواهند حول آن بگتفگو بنشینند تماش فعال برقرار بکنیم ^{۱۲} ما این نقطه نظرات را

بطور کلی در همان پیام کمبه بخشن از گنبد راسیون فرستادم مطرح کردم "هم-اکتن ما لاشما (شما هرچه که خود رامی نامید) منظور شما بی که از مامی پرسید که چرا در امور دانشجویی با شما صحبت نمی کنیم و نظراتمان را نسبت به کارهای شما نمی داریم () سوال من کمیم چه نقطه نظراتی در این باره ارائه دادید؟ چه برخورد فعلی نمودید؟ چه انتقاداتی نسبت به آن داشتید تا با شما بگفتگو بششم و دوباره نظر بد هیم" شما بجای اینکه مسئولانه با این مسئله برخورد کنید و توجه کنید که با کنگره ای که تشکیل شده چگونه برخورد شده است، چه تحلیلی نسبت به بحرا ن دانشجویی ارائه داده شده است و چرا پیام خطاب به اعضاء اتحادیه هاداد شده است؟ همچنان خود را به کوچه علی چب زدید که بله، سازمانهای انقلابی داخل از کنگره تشکیل شده حمایت کردند و بعد هم تازه من پرسید که ایرادهای مانسابت به کار شما چیست و چرا تا بحال در امور دانشجویی با شما صحبت نکرده ایم!!

آری رفقا مسئله اساسی و علت اساسی نه بر سر چب افتادن با شما (تصویری که من) خواهد اختلافات اصولی را در پس دشمنی ها و دعواهای شخصی، بر سر این یا آن منافع ماست مایلیز کند) و نه بر سر اختلاف "ایدئولوژیک" با شما آنطور که شما گمان بر دید (تصویریکه مزیندی ها و اختلافات اساسی دو محتوی ایدئولوژیک برای دو نوع مبارزه را من خواهد درس اختلافات "ایدئولوژیک" بطور کلی مخفی کند) و نه بر سر اینکه شما برای مامال نشیدید^(۱) (تصویریکه ضوابط و قوانین و اصول انقلابی را از دریجه تنگ معامله کرایه و تاجر مسلکانه خوده بورزوهای نگاه می کند) و نه به د لیل اعلامیهای که به امضای یک از اتحادیه های دانشجویی * وابسته به شما علیه شهدای سازمان ماو طبعا جنبش داده شده بود، (که خود داستان جداگانه ای

۱- اشاره به صحبت شما از مذکوره بارفیق ما در "T".

*- در برخورد بعدی این اعلامیه مترجم و شدید کمیکه اعلامیه به امضای "گنبد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی" بوده است.

دارد که فعلاً جایش اینجاست) چرا که روابط ما با شما و موضع مانسبت به امور دانشجویی قبل از این اعلامیه اتخاذ گردیده بود ، بلکه بر سرمسائل بسیار ساده تر مربوط به تناقضات اصولی موجود در رایه های ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما و علاوه بر آن حتی در همین حال بر سر عدم برخورد فعل و عدم پاسخگویی شما نسبت به موضعی بوده است که مانسبت به امور دانشجویی اتخاذ گرده بودیم . این بود آن علت اساسی که مانع توanstیم با شماره رایه امور دانشجویی هم تاروشن شد - موضع سازمانی شماره راین باره و یا خواست شما برای روشن کردن این موضع تعاس بر - قرار گنیم . با توجه به مطالبی که گذشت روشن است که ماهواره آماده هستیم با تمام سازمانهای مبارز دانشجویی خارج از کشور و با شماره صورت که مستقیماً نمایندگی بعض از این سازمانها را بعهده داشته باشد و آماده باشید موضع سازمانی خود را در این باره بصورت مشخص روشن گنیم «تعاس گرفته و گفتگو گنیم » استقبال کرده و طایفی که نسبت به این بخش از جنبش در خود احساسی گنیم « استقبال کرده و اهتمام خود را برای ارتباط فعل با تمام سازمانهای دانشجوی مبارز اعلام می دارم . ۲ - و اماده رمورد رادیو : شما به رفیق ما گفته بودید که گویا مادر رمورد رادیو موضع سکتاریستی داشتم و شما هرچه التراس ! گردید بجایی نرسید و ماحاضر نشدیم باشما هم کاری گنیم و اینکه انتقادی که بعداً مابخودمان در مورد قبول همکاری با شماره رابتدا کردیم در حقیقت توهین بشما بوده است .

در اینجا جادارد سؤال شود که چرا مام «علیرغم اینکه هم اکنون ارتباط سیاسی با توده های زحمتکش « اصلی ترین جهت گیری جنبش مسلحه پیشتر را تشکیل می - دهد و رادیو بعنوان یک نیازبم و حیاتی برای جنبش مسلحه پیشتر مطرح است و اینکه در شرایط ایران رادیومی تواند ارتباط سیار مساعدی را از نظر تأمین نیاز مندیهای حیاتی ارتباطی و حل مسائل امنیتی و تاکتیکی بین ارگانها و عناصر مختلف در سازمان تشکیل دهد » با وجود این حاضر نشدم در چهارچوب مورد نظر شماره انتشارات اندیشه و پیغام www.peykar.org

امکان که بهر دلیل فعلا بدست شما افتاده است (که ظاهرا گویا صرفا بکوشش شبانه روزی شما غرام آمد) است! با شما همکاری کیم . دلیلش بسیار روشن بود و همانوقت نیز به شما گفتم . شماره قبال این امکان توقعاتی داشتید که از نظر منادرست وغیر اصولی بود .

ما رکس در نامای به سران حزب سوسیال دمکرات آلمان نوشت : " اگر متحدد شدن را لازم می دانید پس بخاطر برآوردن مقاصد عملی جنبش قراردادهای بیندید و لیس پرسنیپ فروشی را را مدارد و گذشتهاش تثویل نکنید . " (بنقل از جهه باید کرد) رفقا شما خواهان آن بودید که یعنوان یک پای مستقل در کمیته برنامه برداشته باشد . تبلیغات رادیو در کارسازمان ماوسازمان چریکهای فدائی خلق شرکت داشته باشد . بنظر ما این چیزی جز پرسنیپ فروشی " زیرا گذاردن اصل " فدا کردن منابع جنبش و چسبیدن به منافع جزئی نمی توانست باشد . مسئله تبلیغات و خط مشی تبلیغاتی جنبش دقیقا از نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی ای می تواند مایه بگیرد که این نقطه نظرات در کوران عمل آبدیده شده و در جریان مبارزه تصفیه و ارتقاء یافته باشد . مسئله تبلیغات برای جنبش از نظر ما بهیچوجه جدا از خط مشی استراتژیک جنبش نمی تواند باشد . آن ایدئولوژی و نقطه نظری که بهر دلیل نمی تواند برای جنبش تثویل پیشروانقلابی ارائه دهد نمی تواند خط مشی استراتژیک جنبش را بیزد . بهمان دلیل نمی تواند خط تبلیغاتی ای که ناظر بر چنین تثویل پیشروی باشد ، ارائه دهد .^(۱) ۲۰ سازمانها و عناصری که بهر دلیل (نوعا و یا ما هیتا) نمی توانند در رهبری جنبش قرار بگیرند ، بهمان دلیل نمی توانند خط مشی

۱ - باین ترتیب هرگونه موضع یا عملی که مزیند یا ماندگر را خدشه دار ساخته و شبهاش را در مورد موضع این سازمانها در سازمان جنبش ایجاد کند نه بنفع خلق و مبارزه آن بلکه به ضرر جنبش انقلابی خواهد بود . ویراین اساس است که مانسبت به شهر کت خود رامضاء "اعلامیه مشترک" به تاریخ ۵/۷/۷۵٪^۲ بمناسبت سالگرد تجاوز نیروهای ایرانی به عمان "انتقاد داشته و آنرا عملی درجهت مخدوش ساختن این مزه ها میدانم .

تبليغاتي برای جنبش عرضه کنند . خط مشی تبلیغاتی جنبش از همان نقطه نظراتی و در همان شرایطی می تواند مایه بگیرد که خط مشی استراتژیک و تئوریهای پیشرو و انقلابی جامعه از آن مایه می گیرد . نتیجه زیر پاگذاردن چنین اصولی این خواهد شد که ده هانقطه نظر غلط و انحرافی که میتواند بد آموزهای زیادی در پنهان جنبش ببار آورد وارد جنبش تود . اگر این درست است که تئوریهای درست و نقطه نظرات درست می تواند تبدیل به نیروی مادی شود و ارزی ها و استعداد های زیادی را از خلق آزاد کند و در جهت منافع جنبش بکاراند ازد ؛ این هم درست خواهد بود که نقطه نظرات غلط و انحرافی « در صورتیکمیدان داده شوند » می توانند انحرافات و سردرگمی های زیادی در سطح جنبش بوجود آورده و نیروهای زیادی را به هرزوی ، انحراف و بست بکشاند . فکر نمی کنیم در این گونه موارد احتیاج به آوردن نمونه باشد ، و یا اینکه احیاناً گفته شود تجربه کنیم بینم چه می شود و قبل از آن دم از ورود نقطه نظرات غلط و انحرافی در جنبش نزنیم ؛ این درست مثل اینسته ماچیزی را برای های نامناسب و ناسالبی بنا کرده باشیم و سپس بینم چه نمودهایی برآن عارض می شود تا در صدد رفع آن باشیم . با این توضیحات و با توجه به مشخصات سازمان شما طبعاً مانع توانستیم شما را بعنوان یک پای مستقل در کمیته برنامه ریزی خط تبلیغاتی را دیر (عنوان یک امکان تبلیغاتی برای جنبش مسلحه پیشناز) قبول کنیم و بدین وسیله هم اصول انقلابی را زیر پاگذارده باشیم و با اصول معامله کرده باشیم و هم دقیقاً به همین دلیل مجبور شویم در یک رابطه اساساً نادرست برسرد هاموارد جزئی و کلی چک و چانه بزنیم ؛ در حالیکه اشکال اساسی بر سر چهار چوب اساساً غیر انقلابی این همکاری بوده باشد . بتا براین مایا جمعبندی مجدد در مسئله مربوط به چهار چوب همکاری خودمان باشما « حرف اولیه خود را پس گرفتیم و به مواضع اولیه خود در قبول همکاری باشما در چهار چوب پیشنهادی شما بخود انتقاد کردیم . این انتقاد ما بخودمان در عین حال حاوی انتقاد آسما سی تری به رفقای چریکهای فدائی خلق »

انتشارات اندیشه و پیکار

www.peykar.org

درمورد قبول واصرار بر چنین چهار چوی بود که همان موقع با خود شان مطرح گردید.
 بنابراین مسئله در این جانیز باز بر سر اصول «برسر چگونگی همکاری و برسر چهار چوی»
 بود که این همکاری را من توانست بر اساس اصول انقلابی قرار دهد و نه تنفس و ضرورت
 همکاری مادر ر همان موقع در عین حال مطرح گردید که شمامن توانید و باید بطور فعلی
 در رادیو شرکت داشته باشید ولی البته بانتظارت و هدایت سازمانهای انقلابی داخل.
 ولی شما انتظارات و توقعات نادرست درمورد رادیو داشتید که عملامن خواستید با
 مادر سریک امکان جنبش که فعلاً بدست شما افتاده بود معامله کنید، و این از نظر ما
 به پیچوچه نمی توانست قابل قبول باشد ولواینکه با اصرار شماروی شرایطنا و قبول
 آن از طرف رفقاء فدائی (تحت هر عنوان) منجر به عدم شرکت مادر رادیو بشود که
 در عمل هم سرانجام اینطور شد. ما همانطور که قبل اینز گفتم معتقدیم تمام سازما-
 نها و گروههای خارج از کشور و از جمله شما تازمانیکه در خارج از کشور قرار دارد
 و حمایت از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق را اساس کار خود قرارداد ماید وظیفه دارد
 تمام امکانات خودی و یا امکاناتی که بهر حال در رابطه با جنبش انقلابی از منابع
 مختلف کسب می کنید (فعلاً بگذرم از اینکه چگونه و باعتیار چه سرمایه کسب
 میکنید) و از جمله رادیو، بدون قید و شرط را اختیار جنبش قرار دهید و خود بعنوان
 پشت جبهه در ارتباط مشخص یا سازمان و یا سازمانهای انقلابی قرار گرفته و نیازمندیها
 آن را در حد توانیان تأمین کنید. اینکه شماره رجیстраشن چهار چوی تابحال وظیفه خود -
 تان را نجام داده باشید یا نه از آنجاکه مشخصاً در ارتباط با رفقاء فدائی بود ماید،
 به چهار چوی برسی گردید که بروابط شما حاکم بود ماست و فعلاً ماید دلایل مختلف
 لازم نمی بینم وارد جزئیات و چگونگی حمایت شما از جنبش سلحنه و چهار چوی هم -
 کاری شما بشویم. فعلاً آنچه مربوط به مسئله رادیو (یعنی آن چیزی که به ماربیوت می -
 شد و مادر جریانش بودن) می شود اینستکه همکاری نکردن ما با شماره رجیстраشن
 پیشنهادی و همچنین انتقاد مایه رفقاء فدائی در قبول چنین شرایطی برای هم -

کاری، مسلماً حاوی انتقاد مشخصاً روشی به شماره‌مورد توقعات و انتظاراتی است که در قبال دراختیارگسداردن امکانات جنبش، مستقیم و غیرمستقیم «چه رک و صریح و چه در پوشش همکاری و فعالیت مشترک تبلیغاتی» برای جنبش مسلحانه پیش‌تاز تعیین کردید «مادر راینچاد یگر لازم نمی‌بینیم در باره این گفته شما که مادر رادیسو موضع سکتاریست داشتیم و یا انتقاد مابخودمان در واقع نوعی توهین به شما بوده است، توضیح بیشتری بد همیم» توضیحات بالا می‌توانند نشان دهد که تصور شامابنی برسر خود «سکتاریست» «مادر رادیسو و با توهین» «بعشایز هم‌ناشی از تلقی و برخورد نادرست شما از موضع خود تا در سازمان جنبش‌وناشی از درک نادرست شما از سازمان انقلابی، سازمان پشت جنبه و روابط بین ایند و وظایف هر کدام می‌تواند باشد» و گزنه تکیه و پافشاری روی اصول حتی تا آنجاکه به قطع همکاری هم بکشد هرگز به معنی برخورد سکتاریست و یا توهین بدیگران نمی‌تواند باشد.

واماً در باره مطالبی که در نامه ۱۴ مه شما آمده است:

۳- در مورد سوالاتی که از مبارای اتخاذ موضع نسبت به تحولات سازمان ما

نموده بودید:

اولاً، «مگر شماره ربان اخترام‌روز» به تاریخ اسفند ۵۴ موضع خود را به نوعی نسبت به این مسئله بیان نکردید. این موضع بنظر ماعلیرغم تمام مانورها یا شد ریشت امسور داشتجوئی و علیرغم اینکه زیان کس دیگری در این میان به عاریه گرفته شد «بسود به هر حال می‌شد موضع شمارا از لای بوشنه‌ها و لفافه‌های آن براحتی بیرون کشید». آیامگراین موضع شما از نظر خود تان متعهدانه و مسئولانه نبوده است که هم اکنون برای اتخاذ موضع مسئول و متعهد، جواب این سوالات برایتان همچنان مطرح است؟ اگر اتخاذ موضع مسئول و متعهد از نظر شما منوط به روش شدن این سوالات بود، «بنابراین طرح سوالاتی از زیان این و آن و هم‌دادبا آنان و به نوعی بنایند - گی از آنان و برای هشدار دادن ایشان انتقام انتقام‌های جنبش (وای بحال ما!) - سوالاتی

که قبل از اینکه سوال باشد اعتراض و اتخاذ موضع مشخص است - دیگر چه معنی من دهد؟ اشتباه نکید ایراد مابه موضع گیری شما نیست «اگر ایرادی در این زمینه باشد نسبت به عدم شجاعت و برخورد غیر صریح است که در این مانور شما نهفته است» منظور مادراینجا اشاره بهمان تناقض بین این موضع گیری بنظر ما مشخص (بهر شکل و بهر حالت) باتفاق اضای بعدی شمار این پرسش به سوالاتتان برای موضع گیری متعهد و مسئول است .

ثانیا ، اگر برای شما عنوان یک نیروی اپوزیسیون (؟) ضرورت برخورد با تحولات سازمان مطرح شده است ، باتوجه به استقلال ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی اکه برای این نیروی اپوزیسیون قائل هستید ، این نیرو باید بتواند وقدرت این را داشته باشد که یک جریان سیاسی - اجتماعی و یک سازمان انقلابی را باتوجه به تاریخ چشمهاش ، نقطه نظر ارشاد فعالیتها یش در گذشته و حال تحلیل کرده و حتی آینده آنرا هم بطور کلی پیش بینی کند و نه اینکه شناخت اوناگهان و برآسان سوال و جوابی از آن سازمان ویاحتی صرفا براساس آن گفته هایی باشد که خود آن سازمان در باره خودش می گوید . شما اگر در طی چندین سال ، این سازمان را با ابعاد مختلف فعالیتش ، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی و هدف های سیاسی ای که مطرح کرده بود ، شناخته باشید ، چطور من خواهید بایکی دو سوال ناگهان بدید . تحلیل همه جانبه از تحول این سازمان دست یابید تا فرضا نسبت به تغییرات آن ، موضع متعهد داشته باشید . صرف نظر از این ما در حد ضروری تش مسائل مربوط به این تغییر و تحولات را در بیانیه اعلام موضع ایدئولوژیک سازمان آوردم . اینکه این بیانیه تا جه اندازه من تواند این تحول را بشمنشان دهد به شناخت شما از ماهیت این سازمان ، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی آن در قبیل بوسی گردد . ما معتقدیم برای تمام گروهها و عناصری که توانسته بودند سازمان ما ، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی گذشتگان را که در سطح جنبش مطرح شده بود « در لک گرد »

حرکت آنرا نیز در خلال فعالیتهای این سازمان، انتشارات، تبلیغات، عملیات نظامی و غیره در طول چندین سال، بینند تحول سازمان و اندیشه راهنمای آن نه - تهانی توانت برای آنان غیر مترقبه باشد بلکه به راحتی من توانست از قبل بصورت کلی پیش‌بینی هم بشود، و در این صورت بیانیه اعلام مواضع من توانت سیماهی بسیار مشخص از چگونگی این تغییر و تحول سازمان را به آنان ارائه دهد. حال اگر باز برای شما روشن نشده باشد، متأسفانه از ماجرا یعنی به آن فقدان شرایط اساسی ای که نه صرفاً به عدم درک این مسئله بلکه عدم قدرت برخورد باعده مسائل اساسی جنبش انقلابی را باعث من شود، توجه دهیم کاری ساخته نیست و جواب ما هم به - سوال شمامین براینکه "آیا در مرور وحدت نام بارفکای فدایی ۰۰۰ بطورکد و سازمان تواما راه حل برای مسائل بیابند" صرف نظر از اینکه اصولاً جواب به این سوال مربوط به شمامی تواند باشد و ما هم به دلیل همان ابهامات، تعهدی نسبت به جواب دادن آن آنطور که مورد نظر شماست در خود نمی‌بینیم، چیزی را هم برای شما نمی‌تواند حل کند.

ثالثاً، شمامی نویسید: "بادر نظر گرفتن اینکه ضرورت ابراز نظر مشخصه‌ها بعنوان یک سازمان اپوزیسیون در مقابل رویدادهای اخیر جنبش انقلابی ایران و منجمله تغییرات و مسائل سازمان مجاهدین ۰۰۰ هر روز بیشتر من شود،" مامی پرسیم این سازمان اپوزیسیون که شمامی من برد چه نوع سازمانی است که ضرورت ابراز نظر مشخصه درباره ۰۰۰ برایش مطرح شده است؟ ماسازمان اپوزیسیون دارم تا سازمان اپوزیسیون . سازمان اپوزیسیون طیف وسیعی از انواع سازمانهای صنفی - سیاسی و اتحادیه‌های ضد رژیم گرفته تا احزاب و سازمانهای رفرمیست و انقلابی با مواضع مختلف ایدئولوژیک سیاسی را در برمی‌گیرد . شما روشن نکردید این سازمان اپوزیسیون ما همیش چیست . مواضع ایدئولوژیک - سیاسی اش کدام است . همانطور که گفتم جواب دادن و چگونه جواب دادن به این ^{مشکل} سوالات دقیقاً منوط به این من شد

که سازمان شما از چه نوع سازمانی باشد، خود تان از آن چه تلقی داشته باشید. اگر سازمان سیاسی - انقلابی است موضع ایدئولوژیک و مواضع سازمانیش چیست؟ اگر سازمان دانشجویی باشد چه مزیندیهایی بین سازمان دانشجویی با سازمانهای انقلابی قائل باشد و رابطه‌ای دو نوع سازمان را ۰۰۰ چگونه بدانید.

برای اینکه رک گوش و صراحت مارا باز به پای د لخوری و یا توهین بخود تان تلقی نکنید، به سوالاتی که نموده‌اید توجه کنید. سوال اول: "چه ضری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کند که دارای دو هسته مستقل مارکسیست و مذهبی است؟" تنها یک ضرر کوچک! دارد و آنهم اینستکه به مردم و به جنبش آشکارا دروغ گفتمام. مانع توانیم یک سازمان بایک ایدئولوژی را بنامد و سازمان با دو ایدئولوژی معرفی کیم؛ شما به ماتوصیه من کردید که یک مسئله اجتماعی و مبارزاتی را (یعنی حل مسئله سازمانی مبارزه خرد بورژوازی) با وارونه جلوه دادن یک واقعیت اجتماعی و حرکت تکاملی یک پدیده سیاسی - اجتماعی در جامعه، که مقابلاً با ازایه نتایج و دستاردهایش به مردم و جنبش من تواند تغییرات نسبتاً بزرگی در جامعه به وجود آورد (جدا که خود انعکاس این تغییر ربطی جامعه بوده است) حل کیم، که این بنظر ما اساساً نادرست، غیرعلمی و نتیجتاً کاملاً مضر و مخرب برای جنبش بود که توضیح و تشریح آن برای شما علی رغم ضرورتش به دلایلی که گفته شد، ناممکن من گردید و یاد رئوال دم شما من گوئید: "آیا در مرور وحدت تمام رفای فدائی ۰۰۰ مسئله‌ای ایدئولوژیک و استراتژیک وجود دارد ۰۰۰" فرض کنیم مسئله‌ای ایدئولوژیک - سیاسی وجود داشته باشد، در صورت وجود داشتن حتیاً به دنبالش انتظار دارد که این مسائل را برایتان بگوییم (چون جواب خشک و خالی که منظور نظر شمارابر نمی‌آورد) بنابراین جواب این قضیه این من شود که بیاییم تمام مسائل فیما بین دو سازمان تاریخچه روابط، نقاط اشتراك، نقاط اختلاف، انتقادات مقابل وغیره را (چون در انتشارات اندیشه و پیگار) نهایت اختلاف ایدئولوژیک و استراتژیک و برخورد با همه اینها به دست من آید)

برای شما تشریح کنیم، که شما بعنوان یک سازمان اپوزیسیون (؟) بتوانید یک موضع متعدد بگیرید. حال اگر منافع جنبش اقتضا نکند، این نقاط نظر مورد اختلاف فعلا در سطح جنبش مطرح شود، (غیرا ز آن صورتی که خود سازمانها نقطه نظراتشان را بصورت مشخص مطرح می‌کنند و بنظر ماسا زمانهای سیاسی - انقلابی و حتی سازمانهای دانشجویی از این طریق باید بتوانند نقاط افتراق و اشتراک دو سازمان را دریابند) و این را همانطوری که گفتم شمانی تواید تشخیص دهید، آیا باید بشما بگوییم این مسائل نعی تواند فعلاً مربوط به شما باشد و یا اگر بگوییم تعهدی نسبت به جواب دادن آن در خود نعی بینیم، آیا بفهم توهین به شماست و بنظر ما هر گز اینظور نیست.

۴- در مورد پخش مدارک سازمانی و یادنامه شهداًی ماز رادیو که مطرح کرد، آنچه مورد نظر مابود است، عدم پخش مدارکی از گذشته سازمان است که یامشخصاً حاوی نقطه نظرات گذشته سازمان بود، و یا به نوع نقطه نظرات گذشته را برای سازمان تداعی کند. این اساس خواسته مادر مورد پخش نشریات سازمان بود، این خواسته مالبته با استبطاط که در مورد خواندن یادنامه شهداً شده است والبته رفیق ماه به اشتباه در همانجا آنرا تأیید کرده بود، کاملاً مغایرت دارد. آنچه در درجه اول مورد توجه مابود است، استبطاط نادرست شنونده از ایدئولوژی سازمان به وسیله خواندن مدارک قبل از تحول است. و امادر مورد یادنامه شهداً سازمان که پرسیده بودید، روشی است از آنجاکه این شهداء اعضاء سازمان مابوده‌اند، یادنامه آنان بعنوان عضو سازمان مجاهدین با ذکر نقطه نظراتشان ممکن است این تلقی را در شنونده به وجود آورد که هنوز سازمان دارای نقطه نظرات مذهبی است.

بدیهی است در این صورت در کار یادنامه و ذکر معتقدات این رفقاء شهید مستلزم توضیح و تذکر گوینده درباره تحولات ایدئولوژیک سازمان مجاهدین من باشد، و به این ترتیب نه تنها در گرون جلوه دادن واقعیت و ذکر نکردن معتقدات شهداء مطرح انتشارات اندیشه و پیکار

نیست که برعکس مطرح نکردن تحولات سازمان توانم بایاد نامه این رفقاء من تواند
واقعیت تحول سازمان را در زمینه شنونده دگرگون جلوه دهد . بهرحال برای هر-
گونه رفع ایهامی یکبار دیگر ضوابطی که استفاده از مدارک سازمانی مارادر را دیگر

مجاز من شمارد در نزیر می آید :

۱- هیچ گونه مدرک و یانوشتی از سازمان بدون ذکر مأخذ و منبع آن خوانده

نشود .

۲- مدارک و انتشارات سازمان بصورت تکه و پاره ، منتخب و یا حذف قسمتها یعنی
از آن که محتوای آنرا به نوعی دگرگون کند ، (انتظار که در مورد گزارش تظاهرات

طلاب علوم دینی آمده بود) خوانده نشود .

۳- مدارک گذشته سازمان (قبل از تحول ایدئولوژیک) چه آنها که مشخصا
حاوی نقطه نظرات مذهبی باشد و چه نباشد ، بدون موافقت قبلی سازمان خوانده
نشود . بدیهی است طرح نقطه نظرات افراد و شهداً گذشته سازمان ، از آنجا
که باعث استباط نادرست از ایدئولوژی سازمان می شود ، باید با توضیح کافی درباره

تحول سازمان همراه باشد .

۴- بدیهی است هر گونه استثناء در موارد بالا و یامواردی که ضرورت نقض ضوا-

- بط بالا رایجاب کند باید با موافقت سازمان باشد .

۵- در مورد تناقض بین ابرازات رفقاء مادر باره تغییر ایدئولوژی سازمان و بیانیه
اعلام موضع ... سازمان که اشاره کرده بودید ، بدون اینکه لازم باشد وارد
صحت و سقم این تناقض فعلاً بشویم ، لازم است بگوییم نقطه نظرات سازمان و موضع
اصلی آن ، موضعی است که در سطح جنبش اتخاذ گردیده است و اگر احیاناً و
بنابر فرض هاستباط رفیق یا رفقاء با نقطه نظر سازمان که در سطح جنبش اتخاذ شده
است نخواهد ، بدینه لست به نقطه نظر سازمان مربوط نمی شود و نقطه نظر سازمان
عمانست که در سطح جنبش مطرح شده است . تمثیل ریک صورت است که می تواند

مسئلای به وجود آید و آن اینکه رابط و یا مسئولین سازمان آن نقطه نظر و آن موضع را که مشخص از در سطح جنبش مطرح شده است «بنام سازمان» نفی کنند (ونه اینکه این یا آن استنبط را داشته باشد و یا برفرض استنبط نادرست از نقطه نظر سازمان داشته باشند)، که در این صورت باید روشن شود که آیا نقطه نظر سازمان تغییر کرده است و یا اینکه مسئله دیگری مطرح است که آن هم مسئله ایست قابل حل . بهرحال چنین مواردی در مورد موضع ماتبوده است . همانطور که گفتم نقطه نظرات و موضع اصولی یک سازمان در محاذ خصوصی و در ارتباطات سازمانی تعیین نمی شود ، بلکه در سطح جنبش اتخاذ می گردد و اگر ما هم از شعاعی خواهیم موضع خود را در سطح جنبش روشن کنید و اتخاذ موضع در گفتگوهای خصوصی برخلاف آن چیزی که در سطح جنبش اتخاذ گردیده نمی تواند ملاک و معتربر باشد ، در همین رابطه است .

۶ - در مورد توافق کتبی بعد از ملاقات ها که اشاره کرده بودید ، هر زمان که تعاس مادریک رابطه سالم و انتقالی به جریان بیفتند و یا همانطور که تجربه نشان داد ، در همین شکل غیرفعال شهم ضرورت برخورد کتبی با مسائل فیما بین وجود دارد ، و ما هم از این امر استقبال می کنیم . در همین رابطه مانتظار داشتیم شما بجا اینکه بدون خبر قبلی و دریک هیئت سمه نفره بارفیق ما که خود شر مطرح کرد ببود مسئول تعاس با شعاعیست و صرفا می تواند حامل و رابط نقطه نظرات باشد ، مذاکره بکنید لازم بود نقطه نظرات پیشنهادات و انتقادات خودتان را بصورت مشخص و بصورت نوشته رد کنید تا مابت این بصورت مشخص تری با آن برخورد کنیم .

بهمین جهت اجبارا قسمی از برخورد مابا مطالب شما از طریق نوشته های که رفیق مادر مذاکرات شفاهی شما برداشته بود انجام گرفت . بدیهی است شعاعی توانید در صورتی که مطالبی عینا رد نشده است و یا خد شعاعی به مفهوم آن وارد شده استه انتشارات اندیشه و پیکار توضیحات و نظرات خود را مفصل از درباره این گفته ها و چه درباره تمام مسائلی

که لازم من بینید، برای مابنوسید . ماه متقابل اکبا جواب شما را خواهیم داد .
 درینجا بار دیگر اعلام من دارم که آنچه من تواند مقدمه و زمینه ضروری ارتباط فعال
 و همکاری مابا شما بعنوان سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) را فراهم
 آورد، همان‌ادراعلام صريح موضع ايدئولوژيك - سیاسی - سازمانی شما و خواست
 صادقانه تان برای تصحیح و توضیح ابهامات و تناقضاتی که بر شعردیم من باشد .
 طبعاً درین راه مانیز از همکاری و کمک تا آنجاکه در توان دارم دریغ نخواهیم کرد .
 ما همچنین انتظار داریم مطالب این نامه را هم بعنوان گامی کوچک از طرف مابنون
 پاسخ به وظایفی که در مقابل شما و سایر نیروهای مبارز و جنبش انقلابی خلق مان
 بعدهم داریم، تلقن نمایند .
 در پایان پیشنهاد من کنیم، این نامه را کلیه رفقاء کادرها و اعضاء سازمانهای
 جبهه ملی ایران - البته در صورتیکه موضع سازمانی خاص موجود نباشد - بمنظور
 توضیح دقیق موضع کلی مامطالعه نمایند .

مستحکم باد پیوند نیروهای مبارز خارج از کشور بـا جنبش
 سلحـانـه پـیـشـتـاز
 بر قرار بـاد و حـدـتـ اـصـوـلـیـ کـلـیـهـ نـیـروـهـاـیـ انـقـلـابـیـ
 خـلـقـ مـاـ

* مسئولیین امور خارج از کشور سازمان مجاهدین
 خلق ایران *

۲۶ / ۸ / ۲۰

در حاشیه نامه ما به جبهه ملی

در نامه‌ای که مایه جبهه ملی در تاریخ ۲۰/۸/۷۶ نوشتیم، کوشش کردیم موضع خودمان را نسبت به سازمانهای سیاسی و دانشجویی مبارز خارج از کشور توضیح داده و وظایف و چگونگی ارتباط آنان را با سازمانهای انقلابی داخل بطریکی بیان کنیم. در این نامه ما همچنین به اساسی ترین واصلی ترین انحرافات و تناقضات موجود در هویت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی، سازمانهای جبهه ملی اشاره کردیم و بدین اینکه وارد در انعکاسات و تظاهرات عملی این انحرافات و تناقضات در جنیش بشویم، آنها را نسبت به این انحرافات و تناقضات اساسی توجه دادیم و موضع خودمان را نسبت به چگونگی ارتباط سالم و انقلابی با آنها روشن نمودیم.

در این نامه، ما آگاهانه از بررسی چهارچوب همکاری و چگونگی اتحاد بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و جبهه ملی که بیان روشن چگونگی تأیید و حمایت جبهه ملی از جنبش مسلحه و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود، خودداری کردیم. چون معتقد بودیم بدین برخورد و انتقاد به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یک سازمان انقلابی و تشریح ضوابط همکاری انقلابی برآسas اصول مارکسیستی - لنینیستی و فروختن پایه‌های شوریک چگونگی این همکاری و خلاصه نشان دادن ما - هیئت غیرانقلابی آن، بررسی آن با جبهه ملی نمیتوانست در آن زمان نتیجمای بیار آورد بخصوص اینکه برخورد با جبهه ملی میتوانست توجه مارا از گرفتن حلقه اصلی منحرف نموده و نیروی محدود مارا در گرداب خوده کاری برخورد مستقیم با جبهه ملی تلف نماید. بهره‌حال مامحتقدیم که جبهه ملی صرف نظر از ماهیت کاسپکار و سلطه طلبش، تنها میتوانست نقش ثانوی در این میان داشته باشد و به اعتبار روابط بسیار باز و عملابن قید و شرطی که رفاقتی فدائی در اختیار آنان گذاشته بودند، میتوانست و توانست برای مدتی در موضعی که شایسته آن نبیند قرار گیرد.

همچنین مادراین نامه آگاهانه ازبرخورد با سو استفاده هائی که جبهه ملی از عنوان "سازمانهای جبهه ملی ایران" و مفہم خاصی کمازاین عنوان در ذهن نیروها انقلاب منطقه القاء نموده است و همچنین خرابکاریها و تبلیغات مذیانت اعلیمسازمان ما خود داری کردیم و موارد بیشمار شایعه پردازی و دروغپراکن آنها را مطرح ننمودیم در واقع ماسعن کردیم ابتدا از درون یک برخورد صرفآ شوریک بالتحرافات و تناقضات موجود در اندیشه و عمل آنان بنمائیم، از آنها دراین مورد توضیح بخواهیم درست و غلط را نشان بدھیم و فعلاً به انگیزه ها و تعایلات ممنشا، ایدئولوژیک - که در پس این مواضع انحرافی خواهد بود - است نپردازم. این شیوه برخورد مبتنی براین تحلیل بود که اولاً در مقابل اعضاء و کادر رهای جبهه ملی خود رامتعهد بتوضیح مواضع خود میدانستیم و ثانیاً بدین وسیله امکان فراهم می‌آوردیم که اگر عرض عناصری از سلامت* ایدئولوژیک در رهبری جبهه (۱) ملی باشد، جبهه بتواند در جهت تصحیح مواضع انحرافی خود گام بردارد.

این نحوه برخورد صرفنظر از اینکه یک برخورد مسئولانه و متعهدانه نسبت بیک جریان ضد رئیسی آلد و به انحرافات گوناگون، محسوب میشود، در عین حال اجازه نمیدهد که چک و چانه زدن در جزئیات، بر سرتظاهرات و موارد عملی انحرافات، انتقادات اصولی و اساسی مارابه جبهه ملی، تحت الشاعع قرار دهد.

اماً از آنجا که جبهه در مواضع انحرافی، رنگارنگ و فرست طلبانه خود همچنان به بند بازی ادامه میدهد و مهتر از آن، از آنجا که افشاء اقدامات ضد جنبشی جبهه ملی میتواند زوایای دیگری از انتقادات وارد به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را روشن نماید لام دیدیم بهمراه این نامه نکات و مواردی را که در آن نامه به آنها

* - این "سلامت" طبعاً در چهار چوب مواضع ایدئولوژیک و عملی جبهه معنی پیدا میکند، بسخن دیگر کم و کیف آن عبارت است از میزان آمادگی جبهه به عمل به آنچه که ادعای میکند.

۱ - پاورقیهای مشخص شده با شماره های مسلسل، در آخر متن آورده شده اند.

اشاره نشد ممیا بسرعت از آن رد شد مام، «انتشارداده» و برخی نتایج زیانبار وغیره- انقلابی روابط باز وغیر اصولی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با جبهه ملی کسے در فعالیتهای خرابکارانه و موزدانه جبهه علیه جنبش نوین انقلابی و بخصوص علییه سازمان مانعکار میافتماست نشان دهیم ۰

دراین نامه درباره «وظیفه» جبهه ملی و سازمانهای خارج از کشور در حمایت از مبارزه انقلابی خلق و سازمانهای انقلابیش چنین می آید ۰

۰۰۰۰۰ ماهات طور کقبلا نیز گفتایم معتقدیم تمام سازمانها و گروههای خارج از کشور و از جمله شما، تازمان یکم در خارج از کشور قرار دارد و حمایت از میاز رسیاسی- انقلابی خلق را اساس کار خود قرار داد ماید، وظیفه دارد تمام امکانات خود ری و با امکانات کسے بهر حال در رابطه با جنبش انقلابی از منابع مختلف کسب میکند (عملابد کریم از اینکه چگو^{نه} و بمعتیار چشم رمایعی کسب میکند)؛ و از جمله رادیو ابدون قید و شرط د را ختیار جنبش قرار دهد و خود پعنوان پشت جبهه د را توانائی تان تأمین کرد ۰

اینکه شمار در چنین چهار چوبی تابحال وظیفه خود تان را نجام داده باشید یا نه، از آنجاییک مشخصا د را رابطه با رفقای فدائی بود ماید، به چهار چوبی برمیگرد^د که بر روابط شما حاکم بود است و فعلاً مابد لایل مختلف لازم نمی بینم وارد در جزئیات چگونگی حمایت شما از جنبش مسلحه و چارچوب همکاری شما بشویم ۰

**

مارسما در جریان آن «چهار چوبی» کمتری همکاری تعیین شده بود قرار ندا- شتیم ولی نمودها و شواهدی که در پیشنه عمل مشاهده میکردیم، جواب مختلف این

* - در اولین تحلیل در دوین نامه مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران «بـ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» ضوابط و چهار چوب ارتباط و همکاری اصولی یک سازمان انقلابی با سازمانی نظیر جبهه پutschیل مورث^گ بحث و بررسی قرار گرفتاست ۰

همکاری و همچنین انحرافات و سازش‌های عظیم موجود در آن را میتوانست نشان بد هدء در این پنهانه مانع‌تها آن مزینندی سیاسی - ایدئولوژیک که یک سازمان انقلابی با خطمش معین را زیک سازمان صنف - سیاسی بدون هویت مشخص ایدئولوژیک جدا میکند ندیدیم «بلکه شاهد تأیید عملی انحرافات و تاقاضات موجود در آن داشتم و عمل جبهه»، با تمام آثار منفی و مخرب آن، از طرف سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بودیم. در این همکاری و ارتباط نه تنها جبهه ملی در موضع حقیق خود شقرار نمیگرد بلکه جبهه باعتبار مواضع بسیار نادرست رفای فدائی در خارج از کشور و در رای غسبزی که این رفایه جبهه ملی نشان میدهد «ازین پس دیگر در پوشش حمایت از جنبش مسلحه و پطروخاصل سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و جلب همکاری و تأیید عملی این سازمان، از تکیه گاه مادی لازم نیز خورد از شده و بعاتکا، اتوبوسته و اعتبار ایمن سازمان چهار نعل در جهت منافع غیرانقلابی و کاسپکارانه خود بناخت و تازم برو - ازد و هر آن‌جا هم که منافع پیمانفتش مسلحه در تضاد قرار میگرد به تبلیغات موزیانه و کارشناسی‌های خصم‌انه عليه آن میپردازد».

این چهار جوب همکاری که بنظر ما بیشتر بیک معامله می‌ماند تایل قرارداد سیاسی و انقلابی «در مقابل امکاناتی که نصیب رفای فدائی میکند، شرایط فراهم می‌آورد که در سایه آن جبهه ملی میتواند از اعتبار جنبش در جهت مطابع و منافع غیرانقلابی خود سود جوش کرده و در بخش‌های مختلف که فعالیت میکند، منافع جنبش را فدای گرا - یشات سلطه طلبانه و سود اگرانه خود نماید».

برای توضیح بیشتر لازم می‌بینیم چند مسئله را مورد بررس قرار دهیم. اول اینکه این امکانات که رفای فدائی در مقابل آن چنان بذل و بخشش ازکیمه خلق نموده‌اند چیست؟ به چه اعتباری تأمین شد؟ است و بمجه بهای بدهست رفای فدائی میرسد و سپس اینکه جبهه ملی دوباره از مابه ازای این امکانات چه سوءاستفاده‌های میبرد؟

انتشارات اندیشه و پیکار

ما گفته‌ی در صورتیکه سازمانهای سیاسی یا صنفی - سیاست خارج از کشور، و در اینجا جببه ملی «حمایت از جنبش خلق را اساس کار خود قرار داده ماند» وظیفه دارد که تمام امکانات خود را و امکاناتی که از منابع مختلف کسب می‌کند^{*} بدون قید و شرط در اختیار سازمانهای انقلابی قرار دهد^{**}. این وظیفه قبل از هرجیز در رابطه با الزاماً و ملاحظات ناشی از محتوای سیاسی - ایدئولوژیک این سازمان (جببه ملی) میباشد و در واقع خواستهای دموکراتیک و تعاملات ضد امپریالیستی پایگاه اجتماعی این سازمان یعنی آن محافل دانشجویی و روشنفرکری در خارج که این سازمان نماینده‌ی آنانرا بعهده دارد، این الزامات را در مقابل او قرار میدهد. بدین قرار این سازمان یا باید صادقانه در رابطه با این الزامات بخواستهای دموکراتیک و تعاملات ضد امپریالیستی توده‌های دانشجو و برآسas شعارهایی که این خواسته‌ها منعکس می‌کند و در نشریاتش هم منعکس است^۱، پاسخ گوید و یاد رغیر اینصورت، دیگر حتی بعنوان یک سازمان مترقب نماینده خواستهای همان بخش از محافل دانشجویی و روشنفرکری در خارج هم نبوده و بعنوان یک جریان مشخصاً اپورتوبیستی که مصالح جنبش را تابع اهداف سوداگرانه و سلطه طلبانه مدد و دی در رهبری جببه می‌کند باید افشا گردد. این تازه براین فرض است که امکاناتی که این سازمان از منابع مختلف کسب می‌کند صرفاً با تکاء فعالیتهای مبارزاتی خود شناسید، در حالیکه جببه ملی این امکانات رانه بنام یک سازمان و یا سازمانهای دانشجویی ونه حتی صرفاً بنام کل جنبش دانشجو بلکه بامانورها، وسائل و پوشش‌های مختلف مستقیم و غیرمستقیم نهان و آشکار، بنام کل جنبش انقلابی مردم بدست می‌آورد^۲، اما چگونه:

در تبلیغات، گفتگوها و مصاحبه‌هایی که جببه ملی پخش خاورمیانه با محافل و سازمانهای انقلابی و مترقب منطقه بعمل آورده، مستقیم و غیرمستقیم این تصور را که جببه ملی مشکل از سازمانهای انقلابی و از جمله دوسازمان فدائیان و مجاهدین است، القا می‌کند. بطوریکه مادر برخورد با سیاری ازین محافل و سازمانها که که در چنین صورتی، طبیعتاً سازمانهای انقلابی وارد در جببه نبرد نیز به حمایت اصولی از آن سازمانها پرداخته و فعالیتهای مبارزاتی آنان را مورد تأیید قرار خواهند دار.

بصورت دقیق در جریان مسائل مبارزا تی ایران قرار نداشتند، من دیدم که آنها از جبهه ملی چنین تصوری دارند. قابل توجه اینکه این تصور تهاوا ساسا به این خاطر نیست که نام "سازمانهای جبهه ملی ایران" این تصور را برای آنها داده می‌کرد، بلکه هم‌چنین بد لیل تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم، کتبی و شفاهی و پنهان و آشکاری است که مسئولین جبهه ملی درین محافل، سازمانهای نیروهای مختلف منطقه بعمل می‌آورند.

ماباعناصر مبارز غیر ایرانی و نمایندگان بسیاری از سازمانهای انقلابی عرب برخورد می‌کردند که چنین تصوری از سازمانهای جبهه ملی داشتند، آنها هنگامیکه توضیحات مارامینی براینکه جبهه ملی اساساً یک سازمان سیاسی داشتگوئی فعال در خارج از کشور بوده و چنین ارتباطی با سازمانهای انقلابی ایران ندارد، من شنیدند از اینکه مدتها در راستی نگهدارشده بودند تعجب می‌کردند. (۳)

مش جبهه چنین بوده است که در مواردی بعنوان یعنی نیزی بنای تحریف و دروغ خود با واقاحت و بیشروع نام، واقعیات مربوط به مبارزات انقلابی خلق مارآشکارا تحریف و وارونه جلوه داده و از آن ببعد همواره در دیگر موارد آشکارونهان باشد. بازهای و زندهای و زره خود از طریق اشارات، کتابیات، ابهام گوئی، تشابهات و... بنای تحریف و دروغ خود را در ذهن نیروهای مبارز عرب (البته ما از خرابکاری‌ها) جبهه ملی درین نیروهای مبارز سایر ملل اطلاع چندانی ندارم. یعنی شک درین این نیروهای نیز جبهه ملی دست به خرابکاری‌ها زیادی باید زده باشد، معونه ای از این خرابکاری‌ها، تحریف هویت مارکسیست - لینینیستی سازمان ما در گفتگو با مخبر یک روزنامه آلمانی است که از طرف دانشجویان مبارز خارج از کشور بد رست افشاء و محکم گردید (تکمیل نموده است) .

بدین ترتیب برای اینکه جبهه چنین تصوری (تصور اینکه جبهه مشکل از سازمانهای انقلابی درون کشور است) را در ذهن نیروهای مبارز خاورمیانه القاء کد دیگر

احتیاجی بهاین نداشت که صرحاً بگوید "جبهه ملی مشکل از سازمانهای انقلابی منجمله سازمان فدائیان و مجاهدین است" (کاری که به سرعت به افشای خود جبهه می‌انجامید) همین کافی بوده که با تحریفات، کنایات و ایجاد شباهت و با سکوت بزرگوارانه و عارفانه! خود واقعیات مبارزه سازمانهای انقلابی را برای مدتی در زدن نیروهای مبارز منطقه واژگون جلوه دهد. حتی اگر بخواهیم در بسیاری از موارد درجه غایی آشکار و تحریفات جبهه را ندیده بگیریم و آن را به اصطلاح به پای اشتباهرزنشا نگار و مترجم و دهه‌ابهانه^۱ پیچ و مبتذل جبهه بگذاریم، اساساً وقتی جبهه در صدد تکذیب این جعلیات و تحریفات که از زبان جبهه حقایق مربوط به مبارزه^۲ انقلابی خلق مأوازه جلوه داده شده است بر نمایید بلکه بر عکس آن را تبلیغ می‌کنید^۳ وقتی در موارد مختلف، فعالیتهای انقلابی را در ایران بصورت کلی به "رقا" نسبت میدند و یا اگر سازمانهای انقلابی نسبت میدند^۴، طوری تبلیغ و مطرح می‌کنند که هیچ تنا- قضی باصروری که از "سازمانهای^۵ جبهه ملی ایران" در محافل غیر ایرانی ترسیم کرد^۶ است، ایجاد نکند، شک باقی نمی‌گذارد که سازمانهای جبهه ملی ایران مرکب از همان سازمانهای انقلابی موجود در جبهه نبود است! اضافه بر آن، جبهه در کارکلتی گوئی و ابهام گوییش^۷، در کارحت بعض محمل سازمانهای "زیرکانه"^۸ سعی می‌کند با اصطلاح مدرک جم هم از خود باقی نگذاشته و راه را برای هر نوع توجیه، تعبیر و توضیحی درآیند^۹، در صورت لزمه^{۱۰}، باز بگذارد.^{۱۱}

واقعاً باید پرسید چه چیزی جزو تبلیغات مستمر، آکاها نه و تحریف کشند، جبهه می-تواند - آنهم برای رهبری یک سازمان فلسطینی که چندین سال بقول خود ش در ارتباط مستحکم با جبهه بوده است - این تلقی را بوجود آورد که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکی از سازمانهای موجود در جبهه ملی ایران است و بعد چطصور می‌شود که این اشتباه و تصور نادرست را که بزم جبهه هیچ ارتباطی با اوندارد^{۱۲} در "ایران الشوره"^{۱۳} بدون کوچکترین توضیحی تبلیغ می‌کنند^{۱۴} (۴) و (۵).

به این ترتیب دیده میشود که امکاناتی که جبهه ملی بدست آورده است عدالت در رابطه با کل جنبش‌انقلابی و صریحاً وتلویحاً بنام جنبش‌انقلابی بوده است^۱ بخش از این امکانات باشکار نایمات نادرست و غیر اصولی چریکهای فدائی خلق از جبهه ملی و بخشی دیگر باشکار تحریفات^۲ دروغ پراکنیها و سو^۳ استفاده های جبهه ملی از واقعیات جنبش‌انقلابی خلق ما تا حدی که جبهه ملی راجبهه متعدد سازمانهای انقلابی درون کشور می نمایاند بدست آمده است.

بنابراین حتی اگر رفقاء فدائی از زاویه دید جبهه - مبارله - نیز میخواستند "بر اساس امکانات و سازمانی که این جریان (جبهه ملی خارج) در اختیار دارد" ^۴ با آن برخورد نمایند، بازهم میتوانستند بالامتیازاتی بسیار کمتر از آنچه داده شد ماست^۵ امکانات بیشتری کسب کنند، چه رسد بعینکه اصول و ضوابط انقلابی و کمونیستی بخواهد برابرین روابط حاکم باشد، آنگاه (دو صورت برخورد کمونیستی) دیگر راه هرگونه مطالبه غیر اصولی و باج خواهانه بر رهبری جبهه که مدعی پیروی از اصل حمایت بی قید و شرط از جنبش مسلحانه و همه امکانات در خدمت مبارزه انقلابی زحمتکشان ^۶ میباشد بسته میشود، دراینصورت از دو حال خارج نبود یا جبهه ملی بر طبق شعارهای ادعایی خود در رابطه با ملزمومات و ملاحظات مربوط به محتوای سیاسی - ایدئولوژیک فعالیتش همچنان از جنبش حمایت نموده و امکانات و کمک هایی را در اختیار آن گذاشت زده و یا عمل از زیر بار این وظیفه شانه خالی کرده و باشکال گناهک و پیش از مانورها رنگارانگ، آخرالا مر موضع واقعی خود را آشکار می کند، و تازه این چیزیست که اولاً موضع واقعی جبهه را در رک جنبش روشن نموده و تکلیف آن را نسبت به جریانی که جبهه ادعای نمایندگیش را دارد روشن میکند^۷ کمد رهبر و صورت بنفع جنبش نوین انقلابی^۸ جنبش کمونیستی و سازمانهای آن بوده و میباشد.

مختصر مطالبی که ذکر آن رفت، برخی جواب دیگر از روابط ناسالم و غیر کمونیستی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با جبهه ملی و به ^۹ اختصار روشن میکند، همچنین

برخی از بسیاری سو استفاده های جبهه ملی را از قبل جنبش نوین انقلابی، با جماله بنمایش میگذارد. همچنین نشان میدهد که جبهه ملی نیتواند حتی در محدوده سیاست و ایدئولوژی یک سازمان صنفی - سیاست "نماینده واقعی تعایلات مترقب همان قشرهای دانشجویی اروپا" باشد و تهابعنوان یک ارگان ضد انقلابی و اپورتونیست شایسته افشا شدن می باشد.

بررسی فعالیت های "حمایت" گرانه جبهه ملی از جنبش مسلحه پیشتاز که در صفحات قبل مختصرابه آن پرداخته شد و همچنین ادامه حرکت آن نشان میدهد که رهبری جبهه نه درجهت تحقق «اهداف و شعارهای ادعائی اش در همین خارج از کشور بلکه درجهت منافع اپورتونیستی گروهی و فردی رهبری گام برداشته است. بدین معنی که رهبری جبهه ملی تاجرانی حاضر بوده (وممیباشد) که از جنبش مسلحه دفاع نماید که بتواند بتعایلات سلطه طلبانه و گروه گرایانه خود جامسه عمل پوشاند. برای جبهه ملی حمایت از جنبش مسلحه پیشتاز بمعنای پاسخ به یسمک تعهد سیاسی - ایدئولوژیک و یا حتی اخلاقی نیست، او حاضر است از جنبش مسلحه پیشتاز "حمایت" کند فقط بیک شرط و آن اینکه وثیقه ای برای فعالیتهای سود اگرانه و سود جویانه خود بدست آورد. از این رو مدام که جنبش مسلحه نجین وثیقه ای در اختیار جبهه بگذارد، جبهه واله و سرگشته جنبش مسلحه است و گرنه بزم جبهه جنبش مسلحه پیشتاز شایسته نابود شدن می باشد.*

پرسه روابط گذشته جبهه ملی با سازمانهای جنبش نوین انقلابی بخوبی مؤید

* - آخرین خبرهایی که از شایعه پراکن های جبهه ملی در خاورمیانه بدست مس رسیده مجاکی از همین آرزو های ضد خلقی رهبری جبهه میباشد، رهبری جبهه پس از هم خوردن روابط شناسازمان چرکهای فدائی خلق ایران پشاپریه پراکن پرداخته که "اولا سازمان مجاهدین نابود شده است و ثانیا فدائیان نیز پس از ضربات سال گذشته بین داخل و خارج شان اختلاف افتاده و ما (جبهه) بجز فقط با خارج شان اختلاف و با داخل شان ارتباط داریم."^۱ اشارات اندیشه و پیگار

حکم بالا میباشد .

هر کجا و هر زمان جنبش مسلحه اه پیشتاز به فرصت طلبیه اای سودا گرانه رهبری جبهه میدان داده است ، رهبری جبهه "حامی بی قید و شرط " جنبش مسلحه اه بسوده است و در آنجا که بهر دلیل این میدان تنگ شده است جبهه به کار شکنی ، سپا - شی ، و ... علیه جنبش مسلحه اه پیشتاز و دست آورده ای جنبش نوین کمونیستی میهنمان پرداخته است .

در مورد سازمان ما ، قبل از تحول ایدئولوژیک و گسترش آن به ارگان خارج از کشور ، جبهه ملی از مشئولین وقت این ارگان ، بد لیل اینکه در موارد زیادی تن به خواسته ای فرصت طلبانه و سود جویانه جبهه نداد بودند و در مقابل فرصت طلبیه ای جبهه مقاومت هائی از خود نشان داد بودند ، بسیار ناخشنود بود و موضع گیریه ای مشخص هم از آن زمان چند روابط بین دوسازمان وجود رسطع علنی علیه سازمان ما داشت *

پس از تحول ایدئولوژیک سازمان "موضع گیریه ای جبهه علیه سازمان ما" کم شکل علنی بخود میگیرد و زمانیکه دست آورده ای جنبش کمونیست میهنمان و موضع اصولی و قاطع آن را بالای سر خود می بیند و احساس میکند موضع سلطه طلبانه و اپورتونيستی - آش مورد تهدید و تهدید واقع شده است آشکارا به تخطه * سپا شی و لجن پراکن علیه سازمان ما و دست آورده ای جنبش نوین انقلابی و کمونیستی میهنمان میپردازد .

* - رفای مسئول گذشته مادرخارج از کشور علی رغم اینکه در سیاست موارد در مقابل تفاضا ها و مطالبات فرصت طلبانه جبهه ملی مقاومت نشان داده بودند ، بد لیل حا - کیت نقطه نظرات غیر مارکسیستی (دو آییم مذهبه) و مهتر از آن بد لیل ضعفها و انحرافات که بخصوص د راین ارگان موجود بود ، قادر نبودند یک خط مشی اصولی و یک سیاست فعال را در رابطه با جبهه ملی پیش بگیرند ؟ آنها با برخورد های انفعا - لی و جزئی (برخورد های جزئی که در نهایت سبب مشود انحرافات اساسی در رسی همین برخورد های جزئی و کشمکش های متعاقب آن ، محل ادامه زندگی ورشد پیدا نمایند) ←

در مورد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز تا آنجاکه موضع غیراصولی این سازمان به گرایشات سلطه طلبانه و سودجویانه جبهه ملی، «میدان میداد»، «جبهه واله و سرگشته این سازمان بود (!) (در واقع واله و سرگشته منافعی بود که میتوانست از قبل روابطش با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدست آورد) اما زمانیکه روابط جبهه با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعلی که هنوز دقیقاً برای ما روشمن نیست بهم خورد (یعنی راه سودجویی جبهه بهره‌رعت)، موقتاً یا برای همیشه بسته شد) ناگهان جبهه بیار ضعفها و نارسائیهای این سازمان نیز افتاد (!) و در پی سه «اختلاف نظر»* و ... به شایعه پراکن ... علیه این سازمان پسرداخته و امامتله برانگیخته شدن مخالفت جبهه ملی با جنبش‌نوین انقلابی و سازمانهای آن مسئله‌ای نیست که مورد استقبال کمونیست‌ها و سایر انقلابیون واقعی؛ بسویه خود ما که سهم بزرگی در وادارکردن جبهه به برداشت نقاب حایات از جنبش‌نوین انقلابی از چهره و مشخص ترشدن موضع اپورتونيست و ضد کمونیست آن داشته ایم، قرار نگیرد، زیرا که علنی شدن تضاد ماهوی جبهه ملی با جنبش‌نوین انقلابی و کمو-نیستی میهن ما نه تنها پرده از چهره اپورتونيستی ضد کمونیستی او برآفتد؛ نه تنها موضع ضد انقلابی تاج‌رسلانه آن را کاملاً آشکار نمود؛ نه تنها راه را بر سلطه طلبان جبهه ملی در زمینه‌های مختلف در خارج از کشور و تحت پوشش دفاع از جنبش‌نوین انقلابی بست؛ بلکه اولاً راه نفوذ سوم ایدئولوژی بورژواشی بدروی جنبش‌نوین

همچنان راه سودجوی را بنوی برای جبهه ملی باز میگذاردند و بدین ترتیب آنها نیز پیش دیگر و در مدار داریگری با جبهه ملی سازش میکردند.

*— البته این کلام بمعنای فقدان اختلاف نظر بین سازمان چریکهای فدائی خلق، که به صورت به جنبش کمونیستی میهن ماتعلق دارد، با جبهه ملی بعنوان یک سازمان صنفی — سیاسی آنهم در خارج از کشور نیست. منظوروما اینست که این اختلاف نظر ناشی از دواید ایولوژی، دو سیاست و دو موضع عمل است که میتوانسته و نمیتواند چیز نازمای باشد که جبهه ملی آنرا اکون علم کند (مسئله‌ای که جبهه ملی نیز

انقلابی و کمونیستی از طریق جبهه ملی بسته شد . این امر یعنی قطع شاخصهای مسموم رهبری جبهه ملی از پیکر جنبش‌نوین انقلابی و کمونیستی می‌بین مان همانطور که به حفظ سلامت جنبش‌کمل می‌کند در هموار شدن راه وحدت جنبش‌نوین انقلابی و کمونیستی می‌بین مان و همچنین وحدت دو سازمان ما و چریکهای فدائی خلق نیز نمیتواند بی تأثیر باشد .

ثانیاً قطع شاخصهای مسموم رهبری جبهه ملی از پیکر جنبش‌نوین انقلابی ، امر دفاع از جنبش‌نوین انقلابی و کمونیستی می‌بین ماراد رخارج از کشور ، از رهبری ناسالم و معامله‌گر جبهه ملی که بهمین دلیل توانسته است به حیثیت جنبش‌انقلابی و کمونیستی ما لطمای ، در خارج از کشور ، وارد ساخته و بسیاری از هواداران صادق جنبش‌نوین انقلابی را یابه بپراهم سوق داده و یا از دایره سپاهاتیزانهای جنبش بپراکند و بین آنها تفرقه و چند دستگی بوجود آورد ، تصفیه کرده است
مادر ریاضیان نامه خود به جبهه ملی نوشتند :

" در اینجا بار دیگر اعلام میدارم که آنچه من تواند مقدمه و زمینه ضروری ارتباط نعال و همکاری ما با شما بعنوان سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) را فرا - هم آورد ، همانند راعلام صریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما و خواست صادقانه تان برای تصحیح و توضیح ابهامات و تناقضاتی که بر شمردم من باشد .
طبعاً در این راه (راه تصریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی جبهه و ۰۰) مانیز از همکاری و کمل تا آنجا که در توان دارم درخواهیم کرد ما همچنین انتظار داریم مطالب این نامه را هم بعنوان گامی کوچک از طرف ما بعنوان باسخ بوظایغی که در مقابل شما و سایر نیروهای مبارز و جنبش‌انقلابی خلق مان بعهد داشتم " .

برآی توجیه حرکت فرصت طلبانه خود ، منتہا از موضعی فرصت طلبانه و موزیانسے به آن اقرار کرده است) انتشارات اندیشه و پیکار

اکنون میتوانیم بگوییم که خوشحالیم از این که سهم نسبتاً بزرگی در این "تصحیح موضع داشتمایم". طبیعی است که اگر این تصریح موضع درجهت مشتبه می‌بود مادر رکوشنش خود موفق تر می‌بودیم. اما این دیگر ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک جبهه و کیفیت تضاد‌های ذاتی آن بود که جهت "تصحیح موضع" را مشخص نمود.

بهر حال، مسئله "قطع شاخک‌های مسمم رهبری جبهه ملی" "ارپیکر جنبش نوین انقلابی" نتایج تبعی آن و همچنین افشاء موضع اپورتونیستی اش وقتی در کتاب رشد جوانه‌های جریانات سالم در خارج از کشور که آمادگی صادقانه خود را برای حمایت بن قید و شرط‌از، وارتباط اصولی و ارگانیک با جنبش نوین انقلابی اعلام داشتند - است* بگذاریم آنگاه در مقابل بندبازان ما هری چون رهبری سازمانهای جبهه ملی (بخش خاورمیانه) که اپورتونیسم مزمن و بینش معامله گرانه و بورزوایی اش امکان درس گیری از گذشته را از آن سلب کرده است، تنها یک راه باقی خواهد ماند و آن افتادن ببورطه‌ای است که رهبری خائن حزب توده سالیان درازی است در آن سکنی گزده است. در این "راه" رهبری جبهه داد و فغان زیادی نیز راه خواهد انداخت اما دیگر بستیدن آن رغبتی نشان داده نخواهد شد.



در پایان قابل ذکر است که جبهه ملی "جواییمای" هم برگنمه‌ما فرستاده است، این "جواییه" که سرتاییش، هوجیگری، دروغ، افترا، مغلطه کاری، بندبازی، عوام‌گزینی، فحش و ... میباشد در تاریخ ۱۹۷۷/۱/۲۵ یعنی تقریباً مدت کوتاهی پس از انتشار همان جزوی خود شان (پیرامون تغییر موضع اید-

* - این آمادگی خود نشانه رشد آگاهی جنبش دانشجویی مادر خارج از کشور است. به حدی که میتوان گفت جنبش دانشجویی خارج از کشور باشد این جریانات، ورود در مرحله جدیدی از همبستگی و هماهنگی با جنبش نوین انقلابی را اعلام میدارد.

قولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران) بما داده شد . ماهیج ضرورتی در چاپ و انتشار این " جوابیه " فعلا از جانب خودمان نمی بینم . اما از نظر اطلاع هموطنان و دانشجویان مبارز به محتوای این " جوابیه " باید بگوئیم که جبکه بزودی داد و فغانش در خواهد آمد " هوجی گری و کولی گری بسیاری خواهد کرد و این " جوابیه " را نیز قاعده تراهات مشابهی برای خود منتشر خواهد نمود . بنابراین از این نظر - یعنی از نظر اطلاع هموطنان و دانشجویان مبارز از مقاد " جوابیه " - هم مستلزم بیهودگی پیش نخواهد آمد . اما در صورتیکه جبکه ملی از انجام این کار یعنی انتشار جوابیها ش طفره برود ، از آنجا که این جوابیه خود یک نوعه تبییک و جامع از بند بازیها " دروغ پراکن ها " ، ... و کولی گری های رهبری جبهه را بدست میدهد ، مأمور د رفاقت مناسب دیگری پس از تنظیم آن برای انتشار خا رجی به چاپ و توزیع آن اقدام خواهیم نمود

(فروردین ۵۶)

پاورپرینت

۱- دراین مقاله هرگjasخن از جبهه ملی، جبهه ملی ایران و ... میشود قصد ماهمان سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور - بخش خاروپیانه - میباشد. و هرگجا سخن از رهبری جبهه ملی من آید منظور ما همان عنصری هستند که بنام رهبری سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاروپیانه فعالیت میکنند. ماجبهه ملی و مواضع را از طریق همین عناصر وارگان رسمی شان با ختم امروز من شناسیم و تا آنجا هم که میدانیم اینها نیزه بعنوان اعضاء جبهه ملی بلکه بعنوان مستولین و رهبری جبهه ملی با ما و نیروهای دیگر تماس میگیرند. این عناصر گاه بمقتضای منافعشان در حفاظت خصوص و در برخورد با تناسباتی که با آن مواجه میشوند، خود را گروه مارکسیستی - لینینیستی که در درون جبهه فعالیت میکند، و یاد نشیرات خود آنچاکه صلاح باشد (!) خود را یک گروه مارکسیست - لینینیستی که بخشی از فعالیتهای خود را در درون جبهه انجام میدهد، معرفی مینمایند.

صرف نظر از اینکه این گروه در جبهه فعالیت میکند یا جبهه دراین گروه و همچنین بد ون اینکمبد نبال یا سخت بسئوالاتی از قبل اینکه "این گروه بقیه فعالیتهایش را در رکجا نجام میدهد؟ و ... باشیم" از آنچاکه ماین عناصر بعنوان مستولین سازمانهای جبهه ملی ایران با ما و دیگران تعاون میگرفتند و ما هم با آنها بعنوان مستولین سازمانهای جبهه ملی (بخش خاروپیانه) تعاون داشتم و همچنین از آنچاکه موضع « نقطه نظرات » ایدئولوژی و سیاست همینهاست که حاکم بر جبهه ملی است؛ بنابراین منظور ما از رهبری جبهه ملی، در تمام این یادداشت ها همین عناصر هستند. ما از وجود افرادی جناحهای دیگری در رهبری جبهه ملی خارج که مواضعشان با این افراد اختلاف اصولی داشته باشد اطلاع ندارم. بهر حال اگرچنین افرادی هم بفرض وجود داشته باشند، طبعاً در صورتیکه مواضعشان همان مواضعی است که همین عناصر رهبری بخش خاروپیان تبلیغ میکنند، مشمول قضاوت ها و نقطه نظرات مادر باره، جبهه ملی خواهند شد و اگر مواضعشان با اینها یک نیست مسلماً مواضع ناشناخته و پنهان آنها نمیتواند مورد نظر ما باشد.

۲- در اینجاد و نکته را لازم میدانیم توضیح دهیم. اول اینکه بهر حال وظیفه شناساندن جنبش انقلابی ایران به سازمانهای نیروهای منطقه و جهان بعهد سازمانهای انقلابی و بوسیله نیروهای سالم پشت جبهه آنست. در مورد سازمانهای انقلابی این وظیفه مشروط به توان و ظرفیت سازمانی آنان در

هر مرحله از رشد خود میباشد . دم اینکه باید بعاین سؤال پاسخ داد کمایاساز -
مانها « محافل انقلابی و متفرق خارجی آنقدر از مبارزات انقلابی ایران بیگانه هستند که
چنین تحریفات و تبلیغات سوء میتواند حقایق را برای آنان وارونه جلوه دهد و آیا
آنان بدون شناختن و ارزیابی دقیق حاضرند امکانات در اختیار این یا آن سازمان
بگذارند ؟ جواب روشن است و تجربه خود ماه این راثابت کرده است که در هر
جا هر سازمان و سیستمی که اصول گرایش دقيق تروسفت و سخت تر باشد چنین سوء
استفاده های **کمتر میتواند عمل شود و بر عکس هر چقدر بی درود روازه تر** شل تر
و در مواردی با انگیزه های معامله گرانه مشابه توان باشد ، این کار با مقداری جارو
جنجال ، مانوره نمایش و روزنامه برآحت (البته در یک دوره) امکان پذیر میشود .
زياد جای دیگر نمیروم ، وقت جبهه ملی میتواند در برخورد با رفقاء فدائی بعنوان
یک سازمان مارکسیست - لینینیست - چنین امتیازات بزرگی (از قرار گرفتن در زمانیتد -
گی سیاسی آنان در روابط خارجی تا قرار گرفتن در ارگان برنامه ریزی تبلیغات جنبش
پیشایه یک پای مستقل) بدست آورده ، در برخورد با سازمانها و نیروهای خرد بورژواشی
که اساساً معیارهای برخورد شان از زمین تا آسمان با معیارهای مارکسیستی - لینینیستی
اختلاف دارد ، این کار بطرق اوی امکان پذیر است . بخصوص که در این جرسان ،
مانورهای جبهه ملی محل پشتونامه ای چون حمایت و اعتبار سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران را بد نیال داشته باشد .

۳ - در این زمینه ما شاهد موارد و نمونه های متعددی بودیم که دو سه مورد
آن را که یاد رانتشارات خود جبهه ملی درج شده و یابنou برای آن تبلیغ گردیده
است در زیرم آورم تا روشن شود علت این تصورات و تلقی های نادرست چیست .
الف - نمونه اول مصاحبه ایست که مسئولین جبهه ملی با مخبر روزنامه فجر الجدید
چاپ لیبن در ۲۴ مه ۱۹۷۲ انجام داده اند و در این روزنامه بچاپ رسیده است .
وقت خبرنگار روزنامه « ابراهیم العزا زد رباره » سازمانهای جبهه ملی ایسرا ن
سؤال میکند و میرسد : « سازمان شما کار خود را از کی آغاز کرد ؟ »
جواب داده میشود :

« سازمان ما کار خود را با جنبش مصدق آغاز کرد که توانت ایران را از سلط
انگلیس آزاد کد و نفت ایران را ملی کند . ۰۰۰ در سال ۱۹۶۳ تظاهرات و شورش
عظیمی همه جای کشور را فراگرفت و پانزده هزار نفر در نتیجه حمله ارتش به تظاهر -
کند گان کشته شدند . از آن پس در یافتم که ضروری است استراتژی خود را تغییر دهیم
و بصورت یک مجموعه واحد بمقایله بالرتش نیزه ایم بدهیں ترتیب سازمان به گروههای

کوچک که در شهرهای بزرگ می‌جنگد تبدیل شد . . . همانطور که گفتم چون میدانستیم که مقابله با زمین امری مشکل است بنابراین سازمان استراتژی خود را تغییر داد بطوریکه بشکل گروههای کوچک داخل شهرها عمل میکند . از سه سال پیش این گروهها فعالیت خود را در مناطق مختلف آغاز کرده اند ، و سرشنگر که یکی از آنها افسراستن و دیگری افسر شهریانی بود کشته شده اند . اولی رئیس دادگاه نظارتی بود که حکم اعدام بسیاری از برادران مارا صادر کرده بود .

یک سرشنگ آمریکائی بنام "پرایس" که مستشار نیروی نظامی هوائی بود و نیز ۲۰ سدهاتن از افراد پلیس بدست انقلابیون ماسک شده اند . در طول سه سال گذشته بیش از سیصد نفر از انقلابیون مادر طی عملیات و یا زیر شکجه بشهادت رسیده اند . گروههای جدیدی تشکیل شده و بعایبیوستند ، به آنها کمک میکنیم و برای آنها برنامه واحدی را برای عمل در داخل میریزیم . . .

و در مقابل این سوال "که کشورهای همچو ریچه شکل شمارا پناه میدهد ؟" گفته میشود :

" . . . مادر تحکیم پیوندمان با جنبشی عربی می کوشیم و یا موضعی را کفر آنجا - ها میتوانیم فعالیتی ایمان را علیه زمین تشید کنیم بدست می آوریم . ما البته اولویت را برای تصرف فعالیت در داخل قائلیم تا ضربات سریع و در دنک را با اوج گیری عملیات در نقاط مختلف ایران به رژیم وارد آوریم . . ."

و در جواب این سوال که "ارتیا ایران با جبهه ملی همکاری میکند یا نه ؟" گفته میشود :

" . . . برعی از افراد ارشادی ما همکاری میکنند ولی البته خیلی مخفی . . ." مطلب اینقدر روشن است که فکر نمیکنیم احتیاج به تفسیر داشته باشد . در یک کلام کلیه مبارزات و جانشانیهای خلق ما از زمان مصدق گرفته تا مبارزات انقلابی کوتی همگی به سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) نسبت داده شده و تمام فعالیتیهای سیاسی و سازمانی تحت رهنمودهای آن انجام گرفته است ! ب - مورد دوم خبرست که پیرامون اعدام انقلابی دو مستشار آمریکائی در ایران شهرو شماره ۱۲ حزیران (ژوئن) ۷۵ دریج گردیده است .

با اینکه کاملاً روشن بود مسئول این عملیات کدام سازمان است و حتی در همین شماره ایران الشوره در پاورقی مقاله ای ذکر شده است که عملیات توسط سازمان مجا - هدین انجام شده است ولی در متن خبر اصلی که همراه باد و گمن مستشاران معذوم میباشد بدون اینکه اسمی از سازمان عمل کننده این عملیات آورده شود نوشته شد "، انتشارات اندیشه و پیکار

ترجمه متن عربی

ایران الثوره ، شماره ۱۲ ، زوشن (حزیران) ۱۹۷۵ - صفحه ۴

اعدام دو مزد و آمریکائی بدست انقلابیین ایران

در تاریخ ۲۱/۰۵/۲۵ ، رفقارد داخل ایران به اعدام دو تن از افسران عالی‌رتبه آمریکائی که در نیروی هوایی ایران کار میکردند اقدام نمودند . سخنگوی سفارت آمریکا در تهران اعلام داشت که دو افسر سرهنگ پل شفو و سرهنگ جاک ترنر بودند و تزویستهای کمونیست را متول این حادثه دانست . این عملیات در کمتر از یک ماه از اعدام ۹ تن از رفقارد داخل زندان بدست رژیم مزد ور صورت میگیرد و اخبار این عملیات که در روز روشن انجام شد توسط اکثر آژانس‌های خبری و روزنامه‌های جهان نقل شد و باعث برانگیخته شدن خشم شدید شامشکه تأثیر خود را از قتل اربابانش «این دشمنان خلق ایران» ابراز داشت .
(پایان ترجمه)

انتساب این عملیات به رفقارد داخل ایران "در متن اصلی خبر و پیش‌ذکر شده ای دیگر ریاورق مقاله‌گیری انتساب آن به جاهدین یک از همان شکوه‌های زندانی و محلل های "زیرکانه" جبهه ملی برای وارونه جلوه دادن حقایق جنبش انقلابی و توجیه انتقاداتی است که احتمال دارد در آینده در رابطه با این مطلب بنا ووارد شود . جبهه ملی ابتداء رزنهن خواننده این توهمند را بوجود می‌آورد (و یا بر مناسی تبلیغات گذشته این توهمند را تحکیم می‌کند) که عملیات فوق توسط عنصر سازمانهای خلق ایران است که خود سازمانی از سازمانهای جبهه ملی است (!) تا اینجا واضح برونق مراد جبهه ملی است و ضریب متوجه آن نیست چرا که بالآخر این عملیات پای توسط رفقارد داخل "صورت گرفته و پای توسط سازمان مجاهدین خلق ایران کم خود افتخار (!) ضریب در سازمانهای جبهه ملی ایران را دارد .

اما جبهه ملی ظاهرا زینگ ترازاینست که دم بله بد هد ، اوزاه فرار را با این گونه اعلام خبر نیز برای آینده باز میگذارد تا اگر اینبار توانست تقصیر را بگزند مترجم و چاچیان ، ... بگذارد ، پاشیوه هیشگی اثرباره باور پسند حق بجانب و عصیانی از اینکه به چیزی متهم شده که روحش از آن بی خبر بوده است ! بگوید :

رفقان داخل ایران (۴) دوتن از افسران ارشد آمریکائی را که در نیروی هوایی ایران کار میکردند ، اعدام نمودند

ایران الثوره ۱۲ العدد ۴ الصفحة ۴ حزیران ۱۹۷۵

اعدام العميلين الامريكيين بعد الثوار الديربانيين

و هذا و تجاهه هذه العملية بعد أقل من بتاريخ ٢١-٥-١٩٧٥ . قام الرفاق في داخل ایران باعدام اثنين من كبار المفياط الاميركيين بعملان في سلاح الجو الایرانی شهرين على قيام السلطة العميلة بتنفيذ جريمة اعدام ثمانية من الرفاق داخل السجن . وقد نقلت اخبار العملية التي تمت في طهران ان الضابطين هما الكولونيل بول شفر والكولونيل جاك تریز ، واتهم الارهابيين الشیعیین بالمسؤولیة عن الحادث .



کولونل شفر الامريكي المعسوم .

انتشارات اندیشه و پیکار

www.peykar.org

”بی شرف است کس که چنین نظری داشته باشد“ رذل است کس که و سپس ”استدلال“ کدکه ماجاهدین را نیز رفای خود میدانستم ”گفتم رفای اگر منظور ما اینبود که عملیات را بخود منتسب کنم آن پاورق را دیگر نمی‌آوردیم و دوباره ترجیع پند استدلال خود را تکرار کرد که ”بی شرف است رذل اما“ ما از خوالت خود میخواهیم که محله نکند و غلا حرف جبهه ملی را هر طور شده باور کند“ بعد در برخورد با موارد گوناگون دیگر در پاره هدف جبهه ملی از این نحوه اعلام خبر قضایت نماید .

ج - نمونه دیگر چگونگی ترکیب مطالب تشریه ایران الثورة می باشد .
شماره اول ایران الثورة نسخه خوبی برای این برسن می باشد .
در سریقاله این شماره پس از ذکر مقدمات راجع به منطقه و نوشته شده :
”اما بهمین منظور“ نقطه نظرات سازمانهای انقلابی مان را بیان عربی در صفحه ایران الثورة منعکس خواهیم کرد
تجهیز کرد که این تشریه های ناطور که در بالای صفحه اول آن نوشته شده بوسیله ”سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه“ انتشار میباشد . بدین ترتیب ”سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه“ تعهد میکند که از این پس بعد نقطه نظرات سازمانهای انقلابی شان را در صفحات ایران الثورة درج نماید .اما این سازمانهای انقلابی ”جهبه ملی“ کدامند ؟ تمام شماره های ایران الثورة و منجمله همین شماره به آن جواب میدهد ! این نقطه نظرات چیزی نیست جزو نقطه نظرات سازمانهای چریکی ایلان خلق ایران و مجاهدین خلق ایران !
مالزوم نمی بینم حول این مسئله بیشتر به بحث پردازم . فقط صفحه اول همین شماره ایران الثورة را عیناً تقویم میکنم . خوانندگان مایه توانند این سند را برقراری عرب خود یا کسانیکه به زبان عربی آشنائی دارند نشان بد هند و استنباط آنان را از رابطه بین ”سازمانهای جبهه ملی ایران“ و سازمان مجاهدین خلق ایران جویا شوند .

(اصل سند در صفحه بعد) خطوط تأکید در متنه آن از ماست)
نم - اشاره به مصاحبه ای است که ”ایران الثورة“ (مسئولین جبهه ملی خاورمیانه) با احمد جبریل ، از رهبران جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرمانده هن عموی - در سال ۷۶ بهمن ۱۹ بمناسبت شوال میشود : ”از خلل روابط و آگاهیتان“ در این مصاحبه از احمد جبریل سوال میشود : ”نقل از یاختر امروز شماره ۲۰ بهمن ۶۴ جنبش انقلابی ایران را چگونه می بینید ؟“ (نقل از یاختر امروز شماره ۲۰ بهمن ۶۴

الشمعون

تصالوها — منظفات العجيبة الوطنية

العدد - ١ - ملخص الأدلة

۱۰۷

يجب رد العنف الاصير على بالعنف الشوري

لذلك سعى ممثلو المقاومة في الأسطول، فيما يخص الموسيقى، إلى إثبات اهتمامهم وذوقهم الفناني، ولذلك أخذوا ينشرون موسيقى العروض العسكرية، التي كانت تحيي العروض العسكرية، مما يدل على اهتمامهم بالفن.

وتشمل بحثاً يقدّم المنشآت التي تخدم الأسرالية والقوى الإيجابية في المنشآت من جهة، والسلبيات التي تحيط بها من جهة أخرى، وروابط هذه المنشآت بغيرها من المنشآت التي تخدم الأسرالية والقوى الإيجابية. إن الغزو الشامل للمنشآت التي تخدم الأسرالية والقوى الإيجابية يهدى إلى إنشاء معاشرة جديدة تحيط بالمنشآت التي تخدم الأسرالية والقوى الإيجابية، وهي معاشرة تحيط بالمنشآت التي تخدم الأسرالية والقوى الإيجابية.

شیخ فتح ولی

بيان معايد عن مظاهره بمقدمة
الشعب الارمني حول اسلام المجرد
العقيد لويس هلوبيتر معاون مديرية
المشدارية الارمنية في باران - البلاغ
المسكري رقم ١٦٥٠ تيريلان ١٩٧٣

三

三

10

卷之三

卷之三

104

卷之三

انتشارات اندیشه و پیکار

احمد جبریل پاسخ میدهد :

روابط محکم مابا سازمان های جبهه ملی ایران و بوئن (علی الاخص) روابط رشد -
یابنده مان با سازمان چریکهای فدائی خلق مارا در شرایط نزدیک ۰۰۰۰

(نقل و ترجمه از ایران الثوره شماره ۱۶ شباط (فربه) ۲۶)
توجه کنید که احمد جبریل از "خلال روابط و آگاهیش" (روابطی که با جبهه
ملی داشته و آگاهی ای که جبهه ملی در اختیار احمد جبریل گذاشته است) سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران را جزئی از سازمانهای جبهه ملی ایران میداند آنگاه
جبهه ملی با واقاحت سخنان احمد جبریل را به همان صورت بدون هیچ گونه توضیحی
بعربی چاپ میکند و بدین ترتیب از زبان اواین تصور باطل را باز در سطح نیروهای
میاز عرب تبلیغ و القاء می نماید و بدین ترتیب "هم سازمانهای انقلابی را مورد اهانت
قرار میدهد (با معرفی خود بعنوان جبههای در پرگزندۀ سازمانهای انقلابی) و هم

اعتبار و حیثیت آنان را ویقه سودجوش و سوداگری خود در منطقه قرار میدهد .

در ترجمه فارسی این مصاحبه که در باخترا مرور شماره ۲۰ بهمن ۴۵ چاپ
شده است جبهه ملی، برای جلوگیری از افشاء اعمال تحریف آمیز، سوداگرانه و ضد
جنیش خود، عبارت "علی الاخص" را "همچنین" ترجمه نموده و یکبار دیگر کوشیده
بر فعالیتها موزیانه و فرست طلبانه خود سروش گذاره، (همه جا تأکید از ماست)

اسناد عربی و فارسی عینا در صفحه بعد آمده است)

۵- تأسف آور اینکه در مقابل تبلیغات منفی و مخرب جبهه ملی، نه تنها مَا
برخورد مثبت و بازدارنده ای از طرف رفقاء فدائی در خارج از کشور ندیدیم، بلکه
در مواردی، قرائتی در مقابل ماقرولیمیگرفت که حاکی از همکاری و تأیید رفقاء فدائی
بود. برای مثال بصورت مبهم و دو پهلو گفته میشد که رفقاء فدائی خلق هم را منتشر
باخترا مرور مسئولیت سازمانی دارند (!) مابد ن اینکه اصراری در انتساب این اعمال
و مسئولیت‌های رفقاء فدائی داشته باشیم در عین حال خواهان توضیحات رسمی این
رقا حول این گونه ابهامات و ناروشنی ها هستیم .

حَوْلٌ: الْكَنَاحُ الْمَدُّ

مصاحیہ بارفیق احمد جبریل

دیگر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین - رهبری عمومی

سیل متمم که نتایجیون منظمه آن مولیه متنبه
و سودت علی الملاعیون مر منظمه را ایام بیکد . نتایجیون
ایران با شاخت و گاهی باشند ^۲ درست فری زیرا طبیعت
پاییز ساک مر ایران کوشش کردند هنین لذکار بخشنید
به کیفیت صادرات الملاعیون مر ایران ^۳ برای ایران هیبتگی
ورز عربیانها با مطبوعیت منظمه و تابعیت ایران ^۴ با سازمانی
الملاعیون راضیه از کسبیت بر قرار کند و یعنی عرضه خود را
از نتایجیون ایران در ملوف مطبوعیت منظمه علیه امیریه
و صدریه و سیم و رایخیه به نیویه رخشناده و میرین روزنه کان
اسرارها ^۵ از خلیج سبب خلیج کلی آن گاهی دارد و
حرمس ... باختین از راضیه ، تبعیج کلی آن گاهی دارد و
برای جنوب رواییه الملاعیون از رسی و اهصار فراوان قائل است .
یدنبهیت پیانت آثار سایگرد صادرات سلطنهان مر ایران
علویه هم خصوص که ریق اعدیه جهیل میسر کی
این سازمان خطاپ به ازمان ایلکیانیکی قدران خلستن
رسال داشته ^۶ مسامحه ایل بویون آنکه ایم کی مت آن در
(ایران ایوان) شریه سازمان انتشار باید و ایشان
روجه فارس آن کیمی معرفته کان بخشنید مرمزی مو شو .
بر از خلیل رواییه و اکتفیان ^۷ بیشتر افکار

س- از خدیل روایت و اکتفا، جذش افلاک
آوردن را گویند که می بینید؟
ج- روایت این داده است که سازمانی های همچنان که مملکت ایران و صهیون
روایت رشد پایه داد با سازمانی های همچنان که مملکت ایران
نمایند از شرط اینستا زمینک نسبت پایه داد که در ایران
بگذرد، فرق راه است و میتوان بر اینها و ملاقات
نمایند از شرط اینستا زمینک نسبت پایه داد که در ایران
شود را نسبت به رشد پیروزه افلاک و پیشواش ارائه
نمایند، پیروزه ای که میتواند جای خود را پیش ازون بگیرد
که این افلاک در سیان و درجه بسیاری اینها مبارزه ای انجام
نمایند، این افلاک بسیار این افلاک میباشد و آنرا
و عدهات اینجا که میندی زیال نسلخ طبقه ای بر میگردند
بگیرد و خلق بر متن میگیرد، و انسانی بر انسان میگیرد
و اخشار، برای سوابق ایشان باشد باز که
ایران با تغلیبت کوئینین یعنی نز غربیان پایان گذاشت
اینرا پاییسم به قلط در خاور و سرمه ایکه در جهاد گذشتند میباشد
و درود روی، چون این که کمالی داشت، پیش ازین این
که لیبرالیسم پیدا شد حضیر خواست و موقوف شد و خرس
فرار پیگردی امری که مست آنرا برای اینجا بگیرد که
است، ما و پیشان را است به شیخ اولین گلوره (انقلاب
مردان از این طرف مانع و متناسب را در ظاهر گرفته

پایه در ملته

إن المسائل المتعددة التي يواجهها شوارع وحدة العمل الثوري في المنطقة . والتوازن من هذه المسألة ، وفي أصعب الظروف الإيرانية سعوا في سبيل إيجاد التلامذة الشهرين في المنطقة وتبادل التجارب مع التنظيمات العديدة من الثوار الإيرانيين في صفوف الشعوب ومقاتلتها بهذه المنطقة ، تعمي وتحمّل هذا الترابط المضبوط ونتائجها وانتفاثقة إلى رسالة خاصة التي بعث بها انتفاثقة لكتفاح المسلح إلى الرفاق في منظمات

من ١ - من خلال علاقاتكم وإطلاعكم
كيف ترون واقع المرة
الشورية في إيران؟

جـ- من خلال العلاقة الوثيقة التي تربطنا
بنظمات الجبهة الوطنية الإيرانية وعلى
الأخص العلاقة النامية والتطورية مع
منظمة فدائی الشعب الإيرانی منسیذ
أوائل السبعينات، هذه العلاقة وضمنا
في موقع قریب نسیباً ما يدور في إیران،
وبحلتنا قادرین فرعیاً ما على إبداء
ملاحظاتنا حول تطور العملية الثورية
هناك، وتقديماً المثبت تأخذ مكانها
كأحد البُلور الثورية في المقام، وفي
المذكر التوری المناضل ضد الامبریالية
وحلقاتها من أجل السلام العالمي
والحرية والعدالة الاجتماعية التي تسعى

A SUPPLEMENT TO

The

Critical Problems

of

Our Movement

MAY 1977

کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

آدرس بانکی :

Account No. 59397
Streamer Point Branch
National Bank of Yemen
P. D. R. Y.

آدرس پستی :

P.O. Box 246
Crater Aden
P. D. R. Y.

انتشارات اندیشه و پیگار

www.psykhan.org

پیش‌بسوی مبارزه با خاطر وحدت همه‌ی نیروهای انقلابی خلق

انتشارات اندیشه و پیکار

www.peykar.org